

نام درس : تعالیم اجتماعی ۴ کد : ۵۰ تعداد واحد : ۳ ۱۵۲/۱
 پیش‌نیاز : تعالیم اجتماعی ۳ کد : ۴۰ هم‌نیاز : (۱) تاریخ جهان ۳ کد : ۷۷
 (۲) انظمه‌سیاسی کد : ۷۲

الف - منابع مطالعه :

- ۱ - بیانیه وعده صلح جهانی (تهیه شود)
- ۲ - حفاظت منابع کره ارض (جزوه)
- ۳ - بیانیه سعادت حقیقی عالم انسانی (جزوه)
- ۴ - بیانیه آپارتاید از نظر بهائی (جزوه)
- ۵ - منتخبات مجموعه دستخطهای بیت‌العدل اعظم ۲ و ۳ (درمحل موجود است)

ب - ضمائم :

ندارد

ج - ارزشیابی :

۱ - امتحانات

- ماهانه اول : ندارد
- میان ترم : (۳۰ نمره / هفته نهم)
- ماهانه دوم : ندارد
- پایان ترم : (۳۵ نمره / هفته هجدهم)

۲ - تکالیف

- تکلیف اول : (الزامی / فردی / ۵ نمره / انتهای هفته چهارم)
- تکلیف دوم : (الزامی / فردی / ۱۰ نمره / انتهای هفته هشتم)
- تکلیف سوم : (الزامی / فردی / ۲۰ نمره / تحویل هفته سیزدهم)

۳ - گزارش تکلیف

ندارد

مخصوص جامعه بهائی است .

مطابق مطلب موجود در قسمت ارزشیابی بر طبق برنامه زمانبندی تکالیف زیر را انجام دهید.

تکلیف اول مقطع هفته چهارم - ۵ نمره - زمان تحویل انتهای هفته چهارم

۱- "تنها آموزش و پرورش است که آزادی به ارمغان می آورد. فقط همان است که ریشه های رفتار مدارا و همبستگی را سیراب می کند و به این گونه طرز تلقی شکل می بخشد. تنها آموزش عشق به دیگران است که روزی به گفتگوی میان فرهنگها خواهد انجامید و همه مردمان کره زمین را به همزیستی در صلح قادر خواهد ساخت."

(فدریکو مایور - مدیر کل یونسکو)

ماهنامه پیام یونسکو شماره ۲۶۱ سال ۲۳

الف- چرا وصول به آزادی در گرو آموزش و پرورش است؟

ب- با توجه به محدودیت منابع و امکانات آموزشی در حال حاضر طریق عملی و موثر چنین آموزشی چیست؟ چرا؟

۲- "بزرگترین هماوردجویی که ممکن است در مقابل ژاپن قرار گیرد می تواند ناشی از موفقیت های خود این کشور باشد. اگر اقتصاد ژاپن همچنان به شکوفائی خود ادامه دهد در شرایطی که دیگران دچار رکودند... اگر این کشور محل امن و راحت بنظر برسد که از نظام بین المللی نفع زیادی می برد اما کمک چندانی به حفاظت از آن نمی کند. اگر در دنیائی که مصائب انسانی، درگیریهای منطقه ای، فساد توده ای، امواج مهاجرت و شکاف میان دارا و ندار مرتباً بیشتر می شود، این کشور خود را از رویدادها دور نگه دارد و کمکی نکند، بیزاری کشورهای دیگر ممکن است به حدی برسد که ژاپن را بخاطر آنچه سیاست خودخواهانه این کشور می انگارند از نظر اقتصادی مجازات کنند."

(پل کندی - در تدارک قرن ۲۱)

ترجمه عباس مخبر صفحه ۲۳۴ طرح نو

الف- این هماوردجویی ها و مجازات ها در چه زمینه هایی امکان پذیر می باشد؟

ب- به نظر امر بهائی از چه طریقی این گونه کشورها می توانند در سایه نظام بین الملل به آسودگی زندگی نمایند؟

تکلیف دوم مقطع هفته هشتم - ۱۰ نمره - زمان تحویل انتهای هفته هشتم

مقاله "شهروند و محیط زیست" نویسنده کلود ویلنوو پیام یونسکو سال ۲۳ شماره

۲۵۸ مندرج در ضمیمه منابع درس در صفحه ۶۱

تکلیف سوم مقطع هفته دهم و یازدهم و دوازدهم - ۲۰ نمره - زمان تحویل انتهای هفته سیزدهم

مقاله "اقلیت چیست" نویسنده دیردرمینتل پیام یونسکو سال ۲۴ شماره ۲۷۷ مندرج

در ضمیمه منابع درس در صفحه ۶۸

فهرست

برنامه مطالعه هفتگی

معرفی درس

- نمودار ارتباط درس تعالیم اجتماعی ۴ با دروس قبل

- مقدمه

معرفی منابع اصلی مطالعه

اهداف درس

روش مطالعه و فعالیتهای ضروری

ارزشیابی

- امتحانات

- تکالیف

نمونه سؤالات امتحانی

معرفی منابع مطالعه تکمیلی

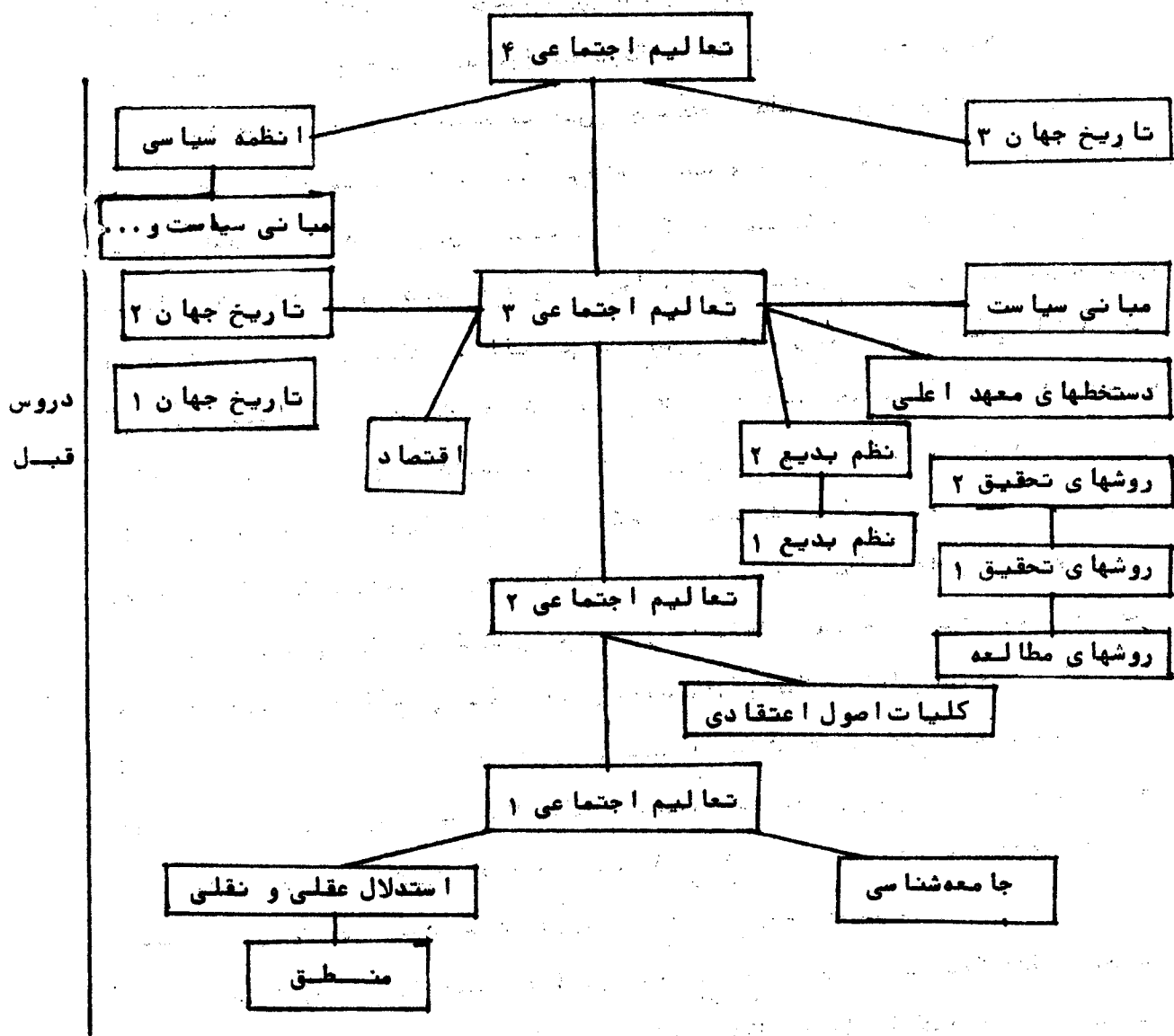
برنامه		برنامه	
مطالب	هفته	مطالب	هفته
انجام تکلیف سوم	دهم	بیانیه وعده صلح جهانی	اول
انجام تکلیف سوم	یازدهم	بیانیه وعده صلح جهانی	دوم
انجام تکلیف سوم	دوازدهم	مجموعه نصوص " حفاظت منابع کره ارض "	سوم
تحويل تکلیف سوم و مطالعه: پیام شهرالسلام ۱۲۲ بدیع - ۱۰ فوریه ۱۹۸۰ - رضوان ۱۹۸۵ - رضوان ۱۴۰	سیزدهم	انجام تکلیف اول و تحويل آن	چهارم
پیام رضوان ۱۹۸۸ - انتخابات رضوان ۱۹۸۹ - انتخابات رضوان ۱۹۹۰ - ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰	چهاردهم	بیانیه سعادت حقیقی عالم انسانی	پنجم
پیام رضوان ۱۹۹۱ - انتخابات رضوان ۱۵۰ - انتخابات شهرالکمال ۱۵۰ - انتخابات صدمین سال صعود - انتخابات ۴ ژانویه ۱۹۹۴ - بیانیه آپارتاید از نظر دیانت بهایی	پانزدهم	بیانیه سعادت حقیقی عالم انسانی	ششم
انتخابات رضوان ۱۵۲ - رضوان ۱۹۹۲ - ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲	شانزدهم	بیانیه سعادت حقیقی عالم انسانی	هفتم
مرور دروس و آمادگی جهت امتحان	هفدهم	انجام تکلیف دوم و تحويل آن مرور دروس و آمادگی جهت امتحان	هشتم
امتحان پایان ترم	هجدهم	امتحان میان ترم	نهم

توجه: نام سلسله دروس مبادی به شرح ذیل تغییر یافته است آنها را بخاطر بسپارید تا در مطالعه راهنما دچار اشکال نشوید.

کلیات مبادی اجتماعی به تعالیم اجتماعی ۱ - مبادی اجتماعی ۱ به تعالیم اجتماعی ۲ - مبادی اجتماعی ۲ به تعالیم اجتماعی ۳ - مبادی اجتماعی ۳ به تعالیم اجتماعی ۴

دانشجوی عزیز خوشحالیم که درس تعالیم اجتماعی ۴ را در این ترم مطالعه می‌نمائید. در درس گذشته شما ضمن مطالعه توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله روش تطبیق مفاهیم روحانی تعالیم اجتماعی را با مصادیق آن در جهان، آموختید؛ اکنون در این درس سعی می‌گردد با تأییدات الهی با مطالعه و فراگیری برخی از دستخطهای دیوان عدل الهی، و آشنایی با روش بیت‌العدل اعظم در بررسی مشکلات و "طرق حل آنها و همچنین تمرین و ممارست در کاربرد تعالیم اجتماعی در رفع بحرانهای کنونی جهان، خود را برای انجام مسئولیتهای خطیری که در مقابل بشر در مانده برعهده داریم تجهیز نمائیم.

نمودار ارتباط درس تعالیم اجتماعی ۴ با دروس قبل



امروز جهان از ناهمسازی و تضادی روزافزون رنج می برد یک قرن یا بیشتر است که بتدریج یاس فراگیر و فرساینده‌ای بر بشریت سلطه یافته است (۱) کره زمین، موطن انسانها، به تمامیتی کوچک و پیوسته تبدیل شده است که منابع و امکانات آن اعم از منابع غذایی، مواد اولیه و سوخت، به سرعت رو به نابودی می رود. آلودگی محیط زیست بتدریج ادامه زندگی را برای بشر در کره زمین دشوار بلکه غیرممکن می سازد. اختلافات شدید طبقاتی و فاصله فاحش میان غنی و فقیر، منازعات نژادی، تعصبات مذهبی و عواقب ناشی از آنها، مانند اعتصابات، افزایش بزه و جنایت، جنگهای خانمان سوز، از یک سو، و غرق شدن در تفریحات و لذات پست، و سقوط ارزشهای معنوی و ضعف حس نوع دوستی، بی بند و باری، اعتیاد، و سستی ارکان خانواده از سوی دیگر، همه و همه بشریت را به پرتگاه فنا و نیستی سوق می دهد.

اندیشمندان کره زمین با پس زدن سلطه مطلقه روءسای ادیان در طول قرون وسطی، زمام بشریت را در دست گرفته بودند و به زعم خود با کمک عقل و علم خویش، خود را قادر به حل هرگونه معضلی که در مقابل بشریت قرار گرفته باشد، می دانستند، اکنون نه تنها خود را از حل مشاغل متعددی که در برابر بشریت قرار دارد عاجز می بینند بلکه فی الواقع به این واقعیت رسیده اند که نمی دانند چگونه از این استعداد و موهبت طبیعی خود یعنی عقل استفاده نمایند. چه هرگاه، جهت رفاه بشریت با کمک عقل تدبیر و چاره‌ای می کردند و پیشرفتی در صنعت و علوم حاصل می شد، و رفاه مختصری ایجاد می گشت، بلافاصله بواسطه سوءاستفاده از این رفاه، طبقات مختلف اجتماعی بوجود آمده و بالنتیجه اختلاف طبقاتی و برخورد شدید آنها در جامعه پدیدار می گشت و هرگاه او به ناچار سیستم اقتصادی به ظاهر مناسبی جهت رفع این معضل طرح می نمود، برای پایداری آن نظام ناچار به محدود کردن انسانها و اعمال زور و استبداد بود. یعنی آنچه که علت و هدف انجام فعالیت‌های او بود از بین می رفت یا مثلا هرگاه پیشرفتی در علم پزشکی روی می داد که انسانها کمتر رنجور و بیمار گردند و مرگ و میر کمتر شود، آن پیشرفت خود باعث افزایش جمعیت و بالنتیجه کمبود مواد غذایی می شد و بطریقی باعث رنج انسانها بود.

بشریت به این واقعیت دردناک رسیده است که آنچه وی با کمک عقلش انجام می دهد، نتایج معکوس بهار می آورد و هرگاه مشکلی صرفا با کمک عقلش حل می گردد، در دام معضلی خطرناک‌تر می افتد. او ناامیدانه دریافته است که در مسیر زمان

عقل وی فقط طی طریق نموده است و هرگز قادر نبوده است پیش بینی کند که به کدام جهت رهسپار است. انسان اندیشمند که مدتها قبل حقایق بنام خداوند، عالم بعد و ایمان را از خاطر خود پاک کرده بود اکنون دریافته است که یگانه امید وی یعنی عقلش قادر به حل معضلات او نیست. "چه رقت انگیز است کارنامه مرامهایی که صاحب عقل و دانش این جهان به جانشینی دین ساخته و پرداخته اند قضاوت قاطع و ثابت تاریخ در باره ارزش آن مرامها را باید در پاس و حرمان انبوه مردمانی جستجو نمود که در محراب آن مرامها نماز می گذارند." (۲) بشر مایوسانه از خود می پرسد که چرا عقل با همه توانا ثبتهایش عاجز از رسانیدن او بسر منزل مقصود می باشد؟ چرا مرامهای ساخته فکرش از ارائه دادن نظامی متین برای زندگی بشری عاجزند؟ (۳)

حتی سطحی ترین بررسیها مؤید این واقعیت است که بشریت سرخورده از مرامهای دست ساخته خود، مایوس از عقل خود، عاجز و درمانده است. حتی بی خیالی، لا بالیکری و زندگی حیوانی، که زمانی مسکنی برای رفع این درماندگی بود، اکنون دیگر او را تسکین نمی بخشد. بشریت دریافته است که اکنون به انتهای راه رسیده، راهی که انتهایش پرتگاه نابودی است. نتیجه محتوم چنین سیر قهقراپی، انحراف و ذلت طبیعت بشر، تدنی اخلاقی، پوچی اهداف، فساد و انطلال موه سات انسانی، سلب اطمینان، از میان رفتن انتظام و قانون، سکوت ماندن ندای وجدان، دریده شدن پرده حیا و خاموشی حس مسئولیت، حس همبستگی، وفا و رعایت یکدیگر است. نعمت آرامش و شادمانی از یاد می رود و امید بتدریج فراموش می شود. عالم انسان، مایوس، نامطمئن و درمانده است. (۴) ضجه ها و ناله های بشریت است که بگوش می رسد، آیا هیچ راه نجاتی نیست؟ براستی این زمان که بشر در لبه پرتگاه نابودی است، چه راهی را پیش می گیرد؟

بالغ بر یک قرن قبل، آن زمان که بشریت از باده غرور سرمست بود و هنوز در غرقاب مادیات کاملاً فرو نرفته، چهره سهمگین نابودی خویش بر وی ناپیدا بود، ندای مهیمن جمال ابهی به این بیان احلی ناطق:

"دین سبب بزرگ از برای نظم جهان و اطمینان من فی الامکان است" (۵)

و انذار فرمودند:

"اگر سراج دین مستور ماند هرج و مرج راه یابد و نیر عدل و

انصاف و آفتاب امن و اطمینان از نور هارماند." (۶)

این سرگردانی و پریشانی و ناامیدی بشر، همه و همه نمود غفلت بشر از خداوند و

دین است. مسئولیت سنگین چنین امری برعهده همه کسانی است که مدعی زمامداری بشریت بوده و بتدریج خواسته یا ناخواسته مسیر بشریت را از طریق دین حقیقی جدا نموده‌اند.

به هر حال " هر قدر سالهای آینده محتملا مشحون از عذاب و مصیبت باشد و هر قدر افق کنونی عالم تیره و تار دیده شود، جامعه بهایی معتقد است که نوع بشر بسر مقابله با چنین امتحان و انقلاب بزرگی تواناست و از نتایج مطلوبه حاصله اش مطمئن است. به عفیده ما این انقلابات مدهشهای که عالم انسانی به سرعت با آن روبرو می شود سبب نابودی تمدن بشری نمی گردد بلکه باعث بروز قوای مکنونه در حقیقت انسان می شود و " مقام و رتبه و شأن هر انسانی را " ظاهر و عیان می سازد. (۷) در این میان وظیفه ما که خود را در زمره افرادی می شناسیم که به این موهبت مخصص شده ایم که علل و عوامل مشکلات و معضلات عالم بشری را می دانیم و به راه حل آنها آگاهی داریم، چیست؟

دیوان عدل الهی می فرمایند " همچو گمان نرود که اغتنام فرصت غلت اساسی ایمن نهضت است بلکه مسبب کلی دیگری در این میان واقع و حائل و آن همانا وضع رقت بار و ورطه سهمناک توده های عظیم ناس است که در پنجه محنت اسیرند و از نیسان تقوی و صداقت بی بهره و نصیب. " لیس لهم من بصر لیعرفوا الله بعیونهم او یسمعوا نغماته باذانههم ". این نفوس باید از سلسبیل هدایت مرزوق شوند. هر کجا شعله امید و اتکالی خاموش است باید آتش رویت و بصیرت در آن افروخته شود و هر مکان آثار شک و تشویشی ظاهر و عیانست باید به گلستان ثقه و اعتماد تبدیل گردد. " (۸)

پس وظیفه مشخص، راه معلوم، ابزار مهیاست

هوالابهی

ای پاک یزدان من و خداوند مهربان من قوتی ده که تا مقاومت غواشل بسیط زمین نمائیم و قدرتی بخش که چون بحر محیط موج بر ساحل شرق و غرب زنیم. ع ع (۹)

بآداشتها و مراجع

- ۱ - ماخوذ از کتاب موج سوم - الوین تافلر - صفحه ۵
- ۲ - پیام وعده صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵ - بیت العدل اعظم - بخش اول
- ۳ - جهت اطلاع بیشتر در این زمینه به توقیع عصر ذهبی - ۲۱ مارس ۱۹۳۲، صفحه ۷ مراجعه شود.
- ۴ - ماخوذ از پیام وعده صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵ - بیت العدل اعظم - بخش اول

- ۵ - مأخوذ از کلمات فردوسیہ - ورق دوم (پیام وعده صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵ -
 بیت العدل اعظم - بخش اول)
- ۶ - لوح مبارک اشراقات - اشراق اول
- ۷ - پیام وعده صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵ - بیت العدل اعظم - مقدمه
- ۸ - پیام بیت العدل اعظم - رضوان ۱۹۸۸
- ۹ - مجموعه مناجات حضرت عبدالبهاء - جلد اول - صفحه ۶۱

مطالعه دستخطهای بیت‌العدل اعظم ما را به درک حقایق گرانبهای مودوعه در آثار طلعات مقدسه امر بهائی، به سهولت و عاری از هرگونه ابهام هدایت می‌نماید، دشواریهای تأویل و تفاسیر را از میان برمی‌دارد و راه اختلاف را مسدود می‌سازد. این دستخطها مانند ذره‌بینی حدید است که تصویری از امر الهی را از جهاتی که لازم و ضروری است به مقتضای زمان و مکان، باز و روشن می‌نماید. نقد و بررسی و تحلیل اوضاع و احوال جاریه عالم در شئون مختلفه حیات بشری، حل مشکلات کنونی که از عهده سایر مجامع برنمی‌آید و دستورالعمل‌هایی جهت رفع اختلافات موجود در بین نفوس، کل را می‌توان در خلال این آثار بهیه شمینه جست. از جمله رسالت عظیم این مرکز جهانی هدایت اهل عالم به سرمنزل مقصود یعنی وحدت عالم انسانی است. بدین لحاظ از سوی معهد اعلی دستورالعمل حیات برای زندگی فردی و اجتماعی افراد بهائی را تعیین و تنفیذ می‌نمایند و تشکیلات بهائی را در جهت وصول به کمال مطلوب رهنمون می‌شوند و از جهت دیگر افراد و جوامع غیربهائی را با روشهای متناسب و درنهایت حکمت و قوت و اقتدار به غایت قصوی هدایت می‌فرمایند و زمینه را برای تحقق صلح اکبر و وحدت عالم انسانی فراهم می‌سازند. به همین علت منابع مطالعه این درس گزیده‌ای از دستخطهای معهد اعلی می‌باشد که ذیلا به توضیح مختصری در مورد آنها می‌پردازیم:

۱ - بیانیه وعده صلح جهانی صادر از بیت‌العدل اعظم مورخ اکتبر ۱۹۸۵

از جمله مجهودات عظیم و مهم بیت‌العدل اعظم، انتشار رساله وعده صلح جهانی است که در جهت هدایت مردمان و توجه رهبران سیاسی ممالک جهان به تعالیم الهیه و تمسک به صلح و اتحاد عز‌صدر یافته است، معهد اعلی در پیام شهرالعهزه ۱۴۴ بدیع خطاب به یاران و یاوران عزیز مهد امرالله در جمیع بلاد در خصوص بیانیه صلح چنین می‌فرمایند: "بیانیه صلح که از مرکز جهانی خطاب به عالم انسانی صادر شد به ملوک و رؤساء و وزراء و وکلاء و قضات و علماء و سایر طبقات تسلیم گردید و سبب شد که مقاصد روح بخش‌آئین یزدانی بر عده کشیری از اهل عالم معلوم و جامعیتش مشهود و جذابت و خلاقیتش مکشوف گردد." همچنین در باره علت صدور بیانیه صلح در پیام رضوان ۱۹۸۶ معهد اعلی چنین اظهار داشته‌اند: "در آغاز نقشه هفت‌ساله نائره تضییقات وحشیانه جامعه بهائیان ایران بار دیگر مشتعل گردید و سعی موفور در ردم و هدم بنیان امرالله در مهد شریعت سمحاء مبذول شد. ثبات و استقامت

قهرمانانه احبای ایران موجب توجه و التفات مراجع بین المللی نسبت به آئین نازنین الهی گشت و منجر به درج و ثبت آن مسئله در صورتجلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد گردید و همزمان با انتشار تبلیغات وسیع جهانی در کلیه وسائل ارتباط جمعی سبب شد که امر الهی از پس پرده ظلمت و گمنامی قدم بعرصه شهود گذارد

این جریانات مدهشه بیت العدل اعظم الهی را بر آن داشت که بیانیه صلح را خطاب به ملل عالم صادر و به عموم رؤسای امم و کشورهای جهان ارسال نمایند. " (ترجمه) بیانیه صلح بیانگر مبادی اعتقادی و اجتماعی امر مبارک و اثبات حقانیت و ضرورت اجرای آنها بر اساس شواهد و وقایع موجود در عصر حاضر است. از دیدگاه مطالعه و بررسی تعالیم اجتماعی نکات بسیار مهمی در این رساله به چشم می خورد که باید با دقت و تعمق بیشتری مورد امعان نظر قرار گیرد: اولاً چگونگی طرح و تنظیم و معرفی تعالیم اجتماعی - ثانیاً چگونگی مرتبط ساختن اصول اعتقادات با تعالیم اجتماعی - ثالثاً توضیح و تبیین ارتباطی که مابین هر یک از تعالیم اجتماعی برقرار می باشد.

۲ - حفاظت منابع کره ارض - تهیه شده از طرف اداره بحوث بیت العدل اعظم الهی -

اکتبر ۱۹۸۹

" در میان مسائل خطیر جهانی که اندیشه متفکران و مسئولان و حتی عامه مردم را به خود مشغول داشته و نگرانی عمیق در خاطر همگان پدید آورده مساله محیط زیست و آلودگی و تباهی روزافزون آن در صفا نخست قرار گرفته است . . . ریشه این مشکلات را باید در روحیه انسان و بی پرواشی او در تسلط و تصرف طبیعت جستجو کرد. ادیان بزرگ همواره احترام به جهان پیرامون یعنی عالم خلقت و مظاهر آن را تعلیم کرده اند و اعتدال در زندگی و از جمله در مصارف مادی پیوسته جزئی از آموخته های دینی بوده است. وجه ممیز آئین بهائی در این است که نه فقط به جهات اخلاقی رفتار با محیط زیست توجه کرده، بلکه تعالیمی ارائه فرموده که عوامل اجتماعی آلوده سازی و تباهی جهان خلقت را به میزان قابل ملاحظه ای کاهش می دهد. "

این مجموعه نصوص مبارکه که حسب الامر بیت العدل اعظم تنظیم گردیده سعی در بیان دیدگاه امر مبارک در باره محیط زیست و حفاظت از آن دارد و به ما روش جدید و تازه ای از نحوه استنباط از نصوص مبارکه را می آموزد. با وجودی که نصوص مبارکه مذکور کرارا مورد مطالعه و مذاقه قرار گرفته ولی در این مجموعه نصوص از دیدگاه جدیدی بررسی گردیده است که آشنایی با این دیدگاه می تواند دریچه ای تازه بر وجه ما بگشاید. در این مجموعه گرانبها نصوص مبارکه تحت چهار عنوان کلی مبادی اساسی، رابطه انسان با طبیعت، حمایت محیط زیست و دورنمای آینده طبقه بندی

شده است و با زیارت این مجموعه دیدی تازه نسبت به طبیعت، موقعیت فرد در طبیعت نحوه معامله با عالم جسمانی، خصائص طبیعت، تطور و تکامل طبیعت، و حمایت و حفاظت از منابع کرهء ارض و محیط زیست بدست می آید.

۳- بیانیه سعادت حقیقی عالم انسانی

"سعادت حقیقی عالم انسانی" ترجمه فارسی *The prosperity of human kind*

می باشد که در سال ۱۹۹۵ از طرف بیت العدل اعظم الهی منتشر گردیده است. در این بیانیه منویات امر مبارک در خصوص سعادت حقیقی عالم انسانی و ضرورت نیل به رفاه مادی و روحانی در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار می گیرد. و همچنین اهمیت دادن به ارزشها و اصول اخلاقی ایجاد تغییرات اساسی و بنیادی در مؤسسات انسانی و اثرات و نتایج هر یک از این موارد در تحقق رفاه حقیقی نوع انسان مطرح می شود. از جمله مطالب مطروحه در این بیانیه موارد ذیل می باشد:

اهمیت و هدف توسعه و رفاه و عدم تکافوی مکاتب موجود در به شمر رساندن اهداف توسعه، لزوم مشارکت آحاد افراد در مسئولیت ساختن سرنوشت انسانی و فراهم نمودن این امکان که به هر فردی در هر نقطه ای از جهان اجازه دهد که به اندازه ظرفیت خود در این فعالیتها شرکت جوید، توجه به نیاز جهان در تنظیم هرگونه برنامه و طرح و توسعه، ضرورت آگاه نمودن انسانها، اهمیت و جایگاه عدالت، انصاف و تساوی و وحدت در تحقق اهداف عالیّه عالم انسانی، اهمیت وحدت فکر در به شمر رساندن طرحها و برنامهها، لزوم توجه به "وحدت عالم انسانی" در این برهه از زمان در قلب کسانی که مسئولیت تصمیم گیری امور در دست آنهاست، اهمیت لزوم و نتایج حاصله از وحدت علم و دین، اهمیت و لزوم و نتایج حاصله از تساوی حقیقی بین رجال و نساء در کلیه زمینهها، وظیفه مؤسسات اجتماعی در شکوفایی کردن توانائیهای مکتونی انسانی، ...

بیت العدل اعظم در خصوص بیانیه فوق در پیام مورخ ۲۲ ژانویه ۱۹۹۵ خطاب

به عموم محافل روحانی ملی در سراسر عالم چنین می فرمایند:

"... نظر به اینکه از زمان اجتماع سران دول در برزیل به منظور حفظ محیط زیست تاکنون توجه شدیدی به مسائل مربوط به توسعه اجتماعی و اقتصادی مبذول می گردد، به دفتر اطلاعات عمومی جامعه جهانی بهایی ما موریت داده شد که بیانیه ای در باره مفهوم سعادت حقیقی عالم انسانی در قالب تعالیم بهایی تهیه نماید. اکنون بیانیه مزبور برای توزیع آماده شده است خوشوقتیم که برای هر یک از محافل ملی نسخه ای از بیانیه "سعادت حقیقی عالم انسانی" را ارسال می داریم توصیه می شود

که این بیانیه را در اقدامات خود در تماس با دولتها و سازمانها و افراد مورد استفاده قرار دهید امید واثق داریم که این بیانیه آن محفل را در ترویج تفاهم این موضوع مهم مابین اعضای جوامع بهایی مساعدت نماید و سبب تقویت کمکهای آنان به جریانات اجتماعی سازنده‌ای گردد که در سراسر کرهٔ ارض مشهود است. (ترجمه) از آنجا که بیانیه فوق حاوی مطالبی عمیق و دقیق و فشرده است و صرفوقت بیشتری را برای درک و فهم اقتضا می‌کند توصیه می‌شود در مطالعه آن اصل تکرار و تفکر حتما مراعات شود.

۴- آپارتاید از نظر بهائی (۱۹ فوریه ۱۹۸۶)

بیانیه فوق به بررسی مسئله آپارتاید (تبعیض نژادی) در افریقای جنوبی می‌پردازد و با ذکر اصول اعتقادی امر مبارک در زمینه وحدت نژاد و نوع انسان، عقاید دیانت بهائی در مورد اختلافات نژادی را تشریح می‌فرماید و در انتها راه‌حلی که جامعه امر در افریقای جنوبی پیش‌گرفته را بیان نموده و مشکلاتی که در این رابطه برای جامعه بوجود آمده را مطرح می‌کند.

۵- پیام های منبع بیت‌العدل اعظم به شرح ذیل:

شهرالعلماء ۱۲۲ بدیع (مندرج در جزوه راهنما) - ۱۰ فوریه ۱۹۸۰ (جزوه دستخطهای معهد اعلی جلد ۲ ص ۲۷) - رضوان ۱۴۰ بدیع (جزوه دستخطهای معهد اعلی جلد ۲ ص ۴۱) - رضوان ۱۹۸۵ (جزوه دستخطهای معهد اعلی جلد ۲ ص ۶۷) - رضوان ۱۹۸۸ (جزوه دستخطهای معهد اعلی جلد ۲ ص ۱۳۳) - ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰ (جزوه دستخطهای معهد اعلی جلد ۲ ص ۱۶۴) - رضوان ۱۹۹۱ (جزوه دستخطهای معهد اعلی جلد ۲ ص ۱۷۷) - رضوان ۱۹۹۲ (جزوه دستخطهای معهد اعلی جلد ۲ ص ۱۸۴) - ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲ (جزوه دستخطهای معهد اعلی جلد ۳ ص ۱۸)

و منتخباتی از پیام های بیت‌العدل اعظم به شرح ذیل :

رضوان ۱۹۸۹ "جزوه" دستخطهای معهد اعلی جلد ۲ ص ۱۴۰ پاراگراف آخر (از جمله تحولات ...) تا ص ۱۴۳ سطر ۱۰ (... به خوبی آگاهیم.) - رضوان ۱۹۹۰ "جزوه" دستخطهای معهد اعلی جلد ۲ ص ۱۵۲ پاراگراف اول (سالی پر از ... اذعان نموده‌اند) و ص ۱۵۴ پاراگراف دوم (همچنانکه جامعه بهائی ...) تا ص ۱۵۵ سطر ۵ (... موافقت شده است.) - صدمین سال صعود "جزوه" دستخطهای معهد اعلی جلد ۳ ص ۹ سطر ۴ (ما الیوم ...) تا ص ۱۰ سطر ۱۲ (... مشهود می‌باشد.) - رضوان ۱۵۰ "جزوه" دستخطهای معهد اعلی جلد ۳ ص ۲۹ سطر ۲۲ (سوی این تحولات ...) تا ص ۳۲ سطر ۵ (... برخوردار فروخت.) - شهرالکمال ۱۵۰ "جزوه" دستخطهای معهد اعلی جلد ۳ ص ۴۵ سطر ۹ (اهل

بهاء علی الخصوص ...) تا آخر پیام ص ۴۷ - ۴ ژانویه ۱۹۹۴ "جزوه" دستخطهای معهد
 اعلی جلد ۳ ص ۵۱ سطر ۱۳ (جامعه بهائی کوششهایی را ...) تا ص ۵۳ سطر ۳ (...)
 توجه مخصوص مبذول گردد.) - رضوان ۱۵۲ (مندرج در جزوه راهنما)

که ذیلا به اهم مطالب مذکور در این پیامها اشاره می شود:

بیان وضعیت جهان پر آشوب در زمینه های سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی، ایمانی
 و ... انقلابات ارض و تحلیل بحرانهای کنونی که از طرفی سكرات موت تمدن روبرو
 بشری را اعلام می نماید و از طرف دیگر بر تولد نظم بدیع جهان آراء دلالت می کند
 و بررسی تحولات کنونی جهان، ظهور و بروز اقتدار امر حضرت بهاء الله در انظار و
 اذهان عمومی، قدم های مثبتی که جامعه امر در حل مشاكل اجتماعی جهان برداشته
 است و طرحهای مختلف جامعه بهائی در زمینه های متفاوت اجتماعی، بیان تحولات جامعه
 جهانی بهائی، تاثیر تکمیل ساختمانهای حول قوس در تحقق صلح اصغر، وظایف احباء،
 پیشرفتهای موءسسات و مشروعات نظم اداری، بلایای وارده بر احبای ایران و تاثیر
 استقامت احبای ایران در استخلاص این آئین مقدس و خروج از مرحله مجهولیت و
 ارتفاع سراپرده وحدت عالم انسانی در قطب آفاق، ...

هدف کلی و اهداف آموزشی

الف- هدف کلی درس: کاربرد آموخته‌ها در زمینه‌ی تعالیم اجتماعی دیانت بهائی در ارتباط با مشکلات و مسائل جهان معاصر با استفاده از توضیحات، استنباطات و هدایات معهد اعلی

ب- اهداف آموزشی: دانشجو پی از مطالعه این درس باید بتواند:

۱- موقعیت جهان کنونی و مشکلات آن را (بحرانهای اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی ...) تشخیص دهد.

۲- ارتباط بین تحقق تعالیم اجتماعی امر مبارک با وقایع و مشکلات جهان کنونی را تشخیص دهد.

۳- ارتباط بین تعالیم اجتماعی مبارکه را با معضلات و مشکلات جهان کنونی تطبیق دهد.

۴- وظائف اهل بهاء را در مسیر تحقق تعالیم اجتماعی امر مبارک و حلال مشکلات جهان معاصر توضیح دهد.

۵- قدمهای مثبتی را که بشر در حل مشکلات جهان برداشته تشخیص دهد و اثرات و نتایج و میزان موفقیت آنها را با توجه به دیدگاه امر مبارک توضیح دهد.

۶- اقدامات کاربردی جامعه جهانی بهایی را در زمینه‌ی تحقق تعالیم اجتماعی امر مبارک در دنیا، بیان کند.

همانگونه که از اهداف درس مستفاد می‌گردد، سطح این درس، کاربرد (۱) می‌باشد، یعنی پس از مطالعه این درس، باید بتوانیم دانش خویش در مورد تعالیم اجتماعی امر مبارک را در موقعیتهای جدید و جهت رفع معضلات جهان کنونی بکار ببریم. لازم به توجه است که "آثار حضرت بهاء‌الله با همه کثرت خود، تنها طرح کلی و دستورالعملی برای آنچه که در آینده بصورت دیانت‌بهاشی درخواهد آمد ارائه می‌دهد. بدین ترتیب همواره نیازی به افرادی از اهل بهاء خواهد بود که در معانی تعالیم حضرت بهاء‌الله تعمق نمایند و آنها را متناسب با مقتضیات و شرایط افسکار معاصر هر نسل، از نو ارائه دهند. زیرا همچنان که مقتضیات اجتماعی تغییر می‌کند و تکامل می‌یابد، مناسبت و کاربرد تعالیم حضرت بهاء‌الله نیز در ارتباط با جامعه تغییر خواهد کرد. مناسبات متغیر بین کاربرد تعالیم بهاشی و شرایط اجتماعی باید در هر نسلی مورد تدبیر قرار گیرد و اظهار شود." (۲)

"در حال حاضر، جهانیان - لاقلاً مردم اندیشمندان جهان - صحت جمیع تعالیم سابقه و عمومیه‌ای را که حضرت بهاء‌الله بیش از هفتاد سال پیش بدان تصریح فرموده، دریافته‌اند و البته آن تعالیم برایشان "جدید" جلوه نمی‌نماید، ولی ما می‌دانیم که محتوای عمیق‌تر تعالیم، یعنی ظرفیت و قابلیت نظم جهانی مطروحه آن حضرت جهت تجدید حیات جامعه، جدید و متحرک و متکامل است. مواردی از این قبیل است که باید به نحو خردمندانه و با حکمت و کجاست به چنین افرادی ارائه داد." (۳)

به همین منظور، در این درس سعی می‌کنیم:

- ۱ - با نحوه برداشت، استنباط و طبقه‌بندی نصوص مبارکه از طریق مطالعه دستخطها^۴ معهد اعلی آشنا شده و اصول آن را بکار بندیم.
- ۲ - وقایع و رویدادها، مشکلات و نیازهای جامعه را دریا بیم.
- ۳ - کاربرد تعالیم اجتماعی امر مبارک را برای جامعه و رفاه بشر دریافته و درپرتو درک وقایع و رویدادهای جهان حاضر، آنها را بکار بندیم.
- ۴ - منویات امر مبارک را در سطحی متناسب با نیاز جامعه از طریق ارجحیات^۵ نوشتاری و کلامی انتقال دهیم.
- ۵ - کاربردهای روحانی مبادی اجتماعی امر مبارک و لزوم استقرار تعالیم اجتماعی

بر مبنای اصول اعتقادی و وجدان و روحانیت را دریابیم.

برای رسیدن به اهداف فوق از دو طریق وارد عمل می گردیم. ابتدا با مطالعه منابع درس که عبارت از برخی از دستخطهای معهد اعلی می باشد با روش انطباق تعالیم اجتماعی بر مشکلات جهان کنونی، شامل:

- چگونگی تحلیل این مشکلات از دیدگاه امر مبارک و طریق رفع آن

و - چگونگی دخالت امر مبارک در حل مشکلات جهان

آشنا شده و سپس از طریق انجام تکالیف، این روش را تمرین می نمائیم.

هنگام مطالعه درس، ضروری است مواضع ذیل را مورد توجه خاص قرار دهیم:

الف- وضعیت جهان حاضر و مشکلات و مصائب مختلفه آن (نظیر مشکلات اجتماعی،

اقتصادی، روحانی و اخلاقی، زیست محیطی ...)

ب- عدم توانائی نظام های بشری بر حل مشکلات جهان و علل آن

ج- طریق درمان مشکلات جهان: تعالیم اجتماعی امر مبارک

شامل: - معرفی تعالیم اجتماعی

- لزوم و ضرورت تحقق تعالیم

- مشکلات و موانع استقرار تعالیم

- طرق تحقق تعالیم

- وظیفه پیروان اسم اعظم در سبیل تحقق تعالیم

- ارتباط تحقق تعالیم با اصول روحانی و

مبانی اعتقادی

- نتایج تحقق تعالیم

د- قدمهای مثبتی که جامعه بشری برای حل مشکلات جهان برداشته است.

ه- اقدامات و طرحهای جامعه بین المللی بهائی در جهت حل مشکلات جهان

(برای هر یک از مواضع فوق، مثالها و در برخی موارد، توضیحاتی در انتهای قسمت

" روش مطالعه و فعالیتهای ضروری" ذکر شده است که باید حتما مورد تدقیق نظر

قرار گیرند.)

توجه: در مطالعه متون می توانیم از روشهایی که در دروس قبلی تعالیم اجتماعی

فراگرفته ایم نظیر طرح سوال، فیش برداری و تطبیق مواضع با مصادیق مسدود

جوئیم.

از آنجائیکه توجه به جنبه های کاربردی تعالیم اجتماعی امر مبارک بسیار مهم

است باید سعی کنیم تا حد امکان، متون را با مدنظر قرار دادن شواهد روز و تطبیق

آنها بر اوضاع جهان مطالعه نمائیم یعنی اگر در متون مطالعاتی مشکلی از مشکلات جهان ذکر گردیده، بررسی نمائیم که مشکل مطروحه در جهان اطراف ما به چه صورتی وجود دارد و یا برعکس هنگامی که به جهان اطراف خود نظر می‌کنیم اگر مشکل و مسئله‌ای را می‌بینیم سعی کنیم با توجه به فراگرفته‌های خود از منابع مطالعه شده در این درس و سایر دروس مبادی اجتماعی، علل آن را تشخیص داده و راه حل آن را دریابیم.

(برای یافتن مثالهایی در این خصوص به بخش دوم قسمت مثالها که در انتهای قسمت "روش مطالعه و فعالیتهای ضروری" مندرج است، مراجعه فرمائید.)

نظر به اینکه ارزش این درس، معادل ۳ واحد است و مستلزم ۹ ساعت مطالعه در هفته می‌باشد، حدود ۲ الی ۳ ساعت از اوقات هفتگی مختص به این درس را باید مستمرا وقف مطالعه روزنامه‌ها، ماهنامه‌ها، فصلنامه‌ها و دیدن و شنیدن اخبار و یا سایر برنامه‌های دارای زمینه‌های اجتماعی را دیو و تلویزیون در جهت احاطه بر مسائل روز جهان نمائیم، تا بدین وسیله با مشکلات جهان حاضر و چگونگی برخورد با این مسائل آشنا شده و با استمداد از هدیایات و روش بیت‌العدل اعظم (مطالعه شده در پیامهای آن معهد اعلی) آنها را از دیدگاه تعالیم اجتماعی بررسی و نظر امر مبارک در مورد چگونگی رفع آن معضل را پیدا نمائیم.

توجه به مسائل ذیل در نحوه صحیح بررسی وقایع جهان مفید می‌باشد:

- در برخورد با یک معضل باید سعی نمائیم علل و عوامل آن را دریابیم و حتی المقدور از مسائل، سطحی نگذشته و سریع قضاوت نکنیم.

- با یافتن سوابق تاریخی و توجه مستمر به تداوم مطلب در طی زمان و مطالعه تفسیر مفسرین (با دیدگاههای مختلف) می‌توانیم بر مطالب احاطه بیشتری بیابیم.

- همچنین گرچه قطعا و حتما باید افراد و جوامع مسئول و موجب معضلات جهان را بیابیم

اما باید شدیدا مراقب باشیم که عدم مداخله در امور سیاسی را چنان که روش اهل

بهاء است رعایت نمائیم. (بیانیه مربوط به آبارتاید، چگونگی روش اهل بهاء

را در قبال مسائل روز نشان می‌دهد.)

یادداشتها و مراجع :

۱- سطح کاربرد، مستلزم استفاده و بکار بستن موارد فراگرفته شده در موقعیتهای

جدید است یعنی دانشجو باید بتواند در برخورد با مسائل و موقعیتهای جدید از

دانش و فراگرفته‌های خود به نحو مناسب استفاده نماید.

جهت کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص به کتاب " طبقه‌بندی هدفهای پرورشی"، اثر

بنجامین اس بلوم، ترجمه دکتر علی اکبر سیف و خدیجه علی آبادی، انتشارات رشد
مراجعه فرمائید.

۲ - نشریه مطالعه معارف بهائی، مطالعات تحقیقی و جامعه بهائی، دکتر مؤژان

مؤمن، ترجمه دکتر نعیم نبیل اکبر، دوره دوم، ش ۳، ص ۲

۳ - حضرت ولی امرالله - ۱۹۴۹ - همان منبع

قسمت مثالها (مربوط به روش مطالعه و فعالیتها ی ضروری)

بخش اول :

الف- وضعیت جهان حاضر و مشکلات و مصائب مختلفه آن (نظیر مشکلات اجتماعی، اقتصادی، روحانی و اخلاقی، زیست محیطی ...)

● مثال ۱ : " در بیان کیفیت این عواقب و خیم، تعالیم بهائی صراحت دارد: " که چون در نتیجه فساد بشری، چراغ دین خاموش شود و خلعت معنوی که بایستی زینست هیکل انسانی باشد از او خلع گردد ناچار انحطاط تا سفا انگیزی در سرنوشت بشر فی الفور بوجود می آید و با خود هر نوع شری را که از یک شخص خاطی منحصر فرزدنی باشد همراه می آورد و در چنین حالی است که انحرافات در طبیعت انسان و انحطاط در رفتار انسان و فساد و انحلال در مومسات متعلق به انسان به بدترین نفرت بارترین وجهی ظاهر و آشکار گردد و ماهیت انسانی تدنی یابد، اعتماد و اطمینان سلب شود، رشته انضباط از هم بگسلد، ندای وجدان خاموش شود، شرم و حیا از میان برخیزد، مفاهیم وظیفه شناسی و همبستگی و احترام و رفتار مستقابسل و وفاداری، تعبیرات غلط گیرد و عواطف عالیه آرامش و سکون و شادمانی و سرور و امیدواری از میان برخیزد " (ترجمه). اسفا که در عصر حاضر هم مومسات و هم افراد انسانی به چنین حالتی دچارند. " (۱)

● مثال ۲ : " در زمره دلائل و شواهد بسیاری که سیر تکاملی این جریانات را آشکار می سازد از طرفی افزایش مداوم و مستمر نقض قوانین، تروریسم، اختلال و آشفتگی اقتصادی، فساد اخلاق و خطر روزافزون از دیاد تسلیحات و ادوات نارپیـه مخربه را ... می توان ذکر نمود. " (۲)

ب- عدم توانائی نظام های بشری بر حل مشکلات جهان و علل آن

● مثال ۱ : " در این اوان، عالم امکان شاهد وقایع عجیبه جسیمه غیرمنتظره ای است که هوشمندان جهان از دست دامنه نفوذش حیرانند و از درک علت وقوع و بروز عاجز و ناتوان، همین قدر ملاحظه می کنند که نظام اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و معنوی جهان ناگهان دگرگون شد. بنیاد افکار و آراء متداوله بر باد رفت. حزب شمال که بیش از هفتاد سال نزد جماهیر نفوس و در ممالک متعدده کانون امیدواران و پناه رنجبران و کافل سعادت محرومان به شمار می آمد در بسیاری از اقطار بی- اعتبار گشت. کشورهای اروپا که تعصبات وطنی و ملیت پرستی را اساس کشورداری دانسته و تا چند سال پیش در مقابل هم صفت آراسته و کمر برانهدام یکدیگر بسته

بودند حال بر صلح و آشتی مجبور گشته بدست خویش مقدمات تاسیس اتحادیه‌های بین‌المللی را فراهم آوردند. نظام‌های دیگر که در قالب مدنیت مادی هنوز برجا و دایر مدار عالم انسان در این زمان است چون از نفثات روح القدس محروم است و از قوه نافذه خلاقه الهیه ممنوع نیز سرنوشتی بهتر از آن نخواهد داشت و چنان به مشکلات لاینحل اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی گرفتار گردد که ناچار شکست پذیرد و از پای بست ویران شود. " (۳)

● مثال ۲: " این تحولات و تطورات برجسته ... هنگامی صورت می‌گیرد که احیاناً بر آشوب و انقلاب و اضطراب و هرج و مرج در تاریخ جهان است، زمانی که رجالی سیاسی و رهبران امور و ولایه‌مؤسسات و مشروعات بشری نگران و با یاس و حرمان دائم التزایدی شاهد و ناظر ورشکستگی و بلااثر و ثمر بودن بهترین مساعی و مجهودات خود جهت تسکین این امواج مخرب می‌باشند. " (۴)

ج - طریق درمان مشکلات جهان: تعالیم اجتماعی امر مبارک

شامل: معرفی تعالیم اجتماعی، لزوم و ضرورت تحقق تعالیم، مشکلات و موانع استقرار تعالیم، طرق تحقق تعالیم، وظیفه پیروان اسم اعظم در سبیل تحقق تعالیم، ارتباط تحقق تعالیم با اصول

روحانی و مبانی اعتقادی، نتایج تحقق تعالیم

● مثال ۱: " عدم وحدت و اعتقاد، اساس جمیع مشکلاتی است که کره ارض بکمال شدت از آن در رنج است. این عدم وحدت در جمیع شئون زندگانی نفوذ و رسوخ کرده و مبنای جمیع منازعات اساسی بین ملل و اقوام عالم است. از آن وخیم‌تر عدم اتحادی است که در بین ادیان و نیز در داخله ادیان شیوع دارد و سبب تباهی تاثیر و نفوذ روحانی و اخلاقی می‌گردد، تاثیر و نفوذی که ایجاد آن هدف اصلی ادیان است. " (۵)

● مثال ۲: " وحدت عالم انسانی محور اصلی و هدف‌نهایی رسالت الهی حضرت بهاء‌الله است. مفهوم حقیقی این اصل بمراتب وسیع‌تر از ایجاد روحیه برادری و خیرخواهی بین مردم بوده و مستلزم آنست که در بنیان جامعه کنونی، تغییراتی حیاتی (ارگانیکی) صورت پذیرد که شبهش را چشم عالم ندیده است. " (۶)

● مثال ۳: " چه بجاست کسانی که بنحو جدی به وضع و سرنوشت جهان علاقه‌مندند به دعوت حضرت بهاء‌الله توجه لازم مبذول دارند و دریا بند که طوفان‌نهایی که پایه و اساس جامعه را در هم می‌کوبد آرام نخواهد نشست مگر زمانی که در جستجوی راه‌حل برای مشکلات اجتماعی، مبانی و اصول روحانی به نحوی فعال و مؤثر بکار گرفته

شود." (۷)

● مثال ۴: "حصول صلح اصغر لازمه‌اش تغییرات کلیه در قواعد و ارکان جامعه" کنونی بشری است گرچه شواهد و آثار امیدبخش می‌نماید ولیکن نباید فراموش کرد که هنوز کاملاً از گذرگاه‌های تاریک عصر تحول و انتقال نگذشته‌ایم و راهی طولانی و لغزنده و پرپیچ و خم در پیش داریم، چه که کفر و الحاد و ماده‌پرستی (ماتریالیسم) شایع و رایج است. ملیت‌پرستی (ناسیونالیسم) و نژادپرستی هنوز وسوسه در افکار و قلوب مردم می‌افکند و جامعه انسانی از راه‌حل‌های روحانی و معنوی برای حل مشکلات اقتصادی غافل است. این اوضاع و احوال جامعه بهائی را به مجاهدت و مبارزتی مخصوص فرامی‌خواند." (۸)

● مثال ۵: "مبایذ اساسیه نظم جهان را مکائد سیاسیه زمامداران داغ بطلان نهاده و حرص و آز و ریا و تزویر و ظلم و خودپرستی بر روابط جامعه بین‌افراد و ملل حاکم گشته است. اکتشافات و اختراعات که شمره تقدم علوم و صنایع است، آلات و وسائل دمار و انهدام عمومی را فراهم آورده و بدست نااهل افتاده است حتی موسیقی و هنر و ادبیات که باید نماینده و هادی عواطف رقیقه عالییه و وسیله تلطیف و تسکین روح افسرده انسانی گردد حال آئینه قلوب تیره این نسل سرگردان و لالایی و بی سرو سامان شده و از صراط مستقیم انحراف جسته است." (۹)

● مثال ۶: "نظر به اینکه قوای نافذه قدسیه جاریه حضرت بهاء الله متناسب و موافق با مقتضیات زمان است این مشتاقان اطمینان و اشنق دارند که قوای محرکه بدیعه که اکنون در امرالله نبأض است آن را به مواجهه با مبارزات و مشکلاتی که در پیش دارد به میزانی که بلوغ روحانی و امکانات اجازه دهد به توسعه حیات اجتماعی و اقتصادی ملل و نحل، تشریک مساعی با قوایی که در سبیل استقرار نظم در عالم سالکند همچنین تنفیذ صحیح انتفاع و استفاده معنوی از تکنولوژی جدید قادر می‌سازد و از این طریق بی‌عبدل که عهد سبیل است بر حیثیت و اعتبار و اشتها و انعام شریعه ربانیه پروردگار افزوده، موجب اعتلاء شرایط زندگی در این عصر فرخنده جلیل‌اکبر می‌گردد." (۱۰)

● مثال ۷: "لهذا یاران الهی که چنان منظور وسیع و خطیر و دلگشایی در مقابل خویش دارند العیبه از آنچه پیش‌آید پریشان خاطر نشوند از تهیب‌حادثه نهراسند در هنگام بروز انقلاب در اضطراب و التهاب نیفتند و آنی از اجرای وظائف مقدسه خویش بازمانند. از جمله آن وظائف مقدسه تخلق به اخلاق و اعمالی است که مرضی درگاه کبریاست... میل و رضا بلکه امر شدید حضرت عبدالبهاء در این است که"

بهاثیان در جمیع امور حتی در جزئیات و معاملات یومیه و روابط افراد با یکدیگر به حسب تعالیم الهی رفتار نمایند. می فرمایند به خضوع و خشوع و افتادگی اکتفا ننمائید مظهر محویت و فنای محض شوید. مهز و وفا و شفقت و محبت نمایح پیشینیان بوده. در این دور اعظم اهل بهاء به فداکاری و جانفشانی مامور ... و از جمله وظائف مقدسه تمسک به حبل اعتدال در جمیع شئون زندگانی است ... (۱۱)

● مثال ۸: " اکنون زمان آن فرا رسیده که جامعه بهائی بیش از پیش در حیات جامعه اطراف خود مشارکت نموده، بی آنکه کمترین حمایتی از عقاید محتضره متشکته کند یا در مساعی جمیله تبلیغی خویش تهاون ورزد با همکاری و هم یاری نفوذ خویش را جهت حصول وحدت اعمال نموده لیاقت قابلیت و استطاعت خود را در رفع اختلافات بوسیله مشاوره بجای برخورد و مقابله و خشونت و انشقاق و تفرقه نشان داده، ایمان خود را از مقصد غائی الهی از خلقت بشری اظهار نماید. " (۱۲)

● مثال ۹: " از یاران الهی دعوت می شود کل من دون استثناء چه زن و چه مرد و چه پیر و چه برنا قدم در میدان خدمت گذارند چه که موفقیت جامعه مرهون ابتکارات و مجهودات تبلیغی و مساعی فرد فرد یاران راستان است. احبای الهی با ثبوت و رسوخ کامل در عهد و میثاق سبحانی و با تلاوت ادعیه و مناجات یومیه و ترتیل آیات مقدسه و جهد بلیغ در تفهیم سنن و تعالیم ربانیه و بذل همت مداوم در ایجاد ترابط و تطابق حدود و احکام سماویه با مسائل روزمره و با تخلق به اخلاق حسنه و صفات مرضیه در ظل نظم جهانی الهی می توانند در میدان تبلیغ به کسب موفقیت های بیشتری ناثل گردند. خلاصه القول آن که نصرت و پیروزی آئین یزدانی فقط و فقط منوط و مربوط به تحقق یک امر است که مؤکدا از کلک اطهر مولای توانا حضرت ولی عزیز امرالله صادر گشته که می فرمایند به میزانی که حیات داخلی و خصوصیات فردی سالکین سیل هدی، آئینه مجلای شکوه و جلال مبادی و تعالیم امر یوسف بهاء می گردد. " (ترجمه) (۱۳)

● مثال ۱۰: " آموزش احبای و تلاش آنان جهت کسب معلومات امری از طریق مطالعات مجدانه فردی برای عمل به اصول امر مبارک و اداره امور آن، شرط لازم برای توسعه منابع انسانی است و این خود لازمه پیشرفت امر مبارک است اما معلومات امری به خودی خود کافی نیست ضروری چنان است که معلومات امری به نحوی ارائه شود که محبت و فداکاری ببار آورد و ثبوت بر عهد و پیمان را تقویت نماید و افراد یاران را به شرکت در خدمات امری و مبادرت به اقدامات متین جهت پیشبرد منافع آن برانگیزد. همچنین کوشش های ویژه ای که برای جذب افراد کاردان به امر

مبارک صورت می گیرد منابع انسانی مورد نیاز را فراهم خواهد ساخت. به علاوه این کوششها باعث برانگیختن و تقویت قابلیت و قوای محافل روحانی خواهد شد تا بتوانند

از عهده ایفای وظائف سنگین خود برآیند... " (۱۴)

د - قدمهای مثبتی که جامعه بشری برای حل مشکلات جهان برداشته است

به جهت آن که تعالیم الهی منطق بر روابط ضروریه منبعت از حقائق اشیا در این زمان است، علاوه بر اثرات انفسیه بر افراد بشری که سبب تقلیب این نفوس و هدایت آنان به سیل ایمان گردیده است اثرات آفاقیه آن نیز ناخودآگاه بر قلوب کل افراد بشر اثر گذارده و سبب بروز اعمال و رفتاری از سوی آنان گردیده که میل و تمایل تدریجی آنان به سوی هدف غائی امر مبارک را نمایانگر است.

● مثال ۱: "توجه دنیای غیربهائی به تحقق سریع و روزافزون این حقیقت که جامعه بشری فی الحقیقه وارد مرحله جدیدی از ترقی و تکامل خود می گردد به احباء فرصت بی سابقه ای اعطاء می نماید تا نشان دهند و اثبات نمایند که جامعه جهانی بهائی نه تنها هسته بلکه نمونه و الگوی کامل از جامعه جهانی است که تاسیس مقصد و هدف حضرت بهاء الله می باشند و بالاجبار اکثریت عظیم جامعه در مانده بستوه آمده بشری بطور ناآگاه به سوی آن سوق داده می شوند." (۱۵)

● مثال ۲: "قوه محرکه منظر عظیم، رشد فزاینده آگاهی مردم جهان، هرج و مرج اجتماعی و سیاسی، سقوط سلاطین، آزادی ملل، امتزاج فرهنگی، هیا هو و غوغای ملل برای نیل به رشد و توسعه، کشمکش بین فقر و غنای مفرط، نگرانی شدید نسبت به سوءاستفاده از محیط زیست و همچنین پیشرفت سریع آگاهی نسبت به حقوق نسوان، تمایل فزاینده به وحدت بین فرق مسیحیت، دعوت روزافزون به نظم نوین جهانی، ترقی اعجاب انگیز در علوم و فنون و ادبیات و هنر در بطن جمیع این هیجانات با تجلیات متضاد آشفتنگی و نظم، تالیف و تحلیل، جمیعا علائم قدرت آن حضرت در مقام مصلح عالم و برهان ادعای ایشان به عنوان طبیب الهی و صدق کلامش در منزلت ناصح علیم و خبیر رحمانی مشهود می باشد." (۱۶)

● مثال ۳: "... اما در پی هر عذاب راههایی را که برای حل مسائل اندیشیده کل انعکاسی است از بعضی از مبادی و تعالیم الهیه که اهل بهاء یکصد و پنجاه سال است به عالم عرضه داشته اند. این است که امروز می بینیم که زعما و حکمای عالم از نظم نوین جهانی سخن می گویند. از ممالک متحده اروپا دم می زنند، از وحدت در کثرت، از لزوم تاسیس و ایجاد واحد بین المللی پول، از تساوی حقوق زن و مرد از تربیت عمومی، از ضرورت قوه جهانی که هر دولت متجاوز را از تعدی بازدارد و

از لزوم سازمانی بین‌المللی که ناظر بر استفاده و اداره و توزیع عادلانه شروت‌های طبیعی جهان باشد بحث می‌کنند. اما البته، دوستان ارجمند می‌دانند که هر چند جبر تاریخ خردمندان عالم انسان را روزبه روز به تمکین و انقیاد از تعالیم حضرت بهاء‌الله وادار سازد و هر چند درمانهائی که عرضه می‌دارند بسا آنچه طبیب آسمانی تجویز فرموده فی الجمله مشابهتی داشته باشد باز هرگز جسم علیل جهان را از امراض هائل نرهاند و به علاج کامل نرساند زیرا آنچه بشر قرار دهد محدود است و چون از نفثات روح القدس محروم نتایجش معدود. " (۱۷)

● مثال ۴: "قواشی که موجب توحید اقدامات چاره‌جویانه، تعداد کثیری از ملل در مقابله با بحران ناگهانی در این منطقه گردید بدون ادنی شک و تردید، لزوم حاصل امنیت دسته‌جمعی را که حضرت بهاء‌الله متجاوز از یک قرن قبل بعنوان وثیقه حل مناقشات توصیه فرموده بودند واضح و نمایان ساخت. گرچه هنوز بسیاری از ترتیبات بین‌المللی که حضرت بهاء‌الله برای اجرای کامل این اصل پیش‌بینی نموده‌اند مورد قبول و اجرای فرمانروایان عالم واقع نگردیده ولیکن قدمی بلند بسوی روشی برداشته شده که مالک قدر برای بشر تعیین فرموده است. " (۱۸)

ه - اقدامات و طرح‌های جامعه بین‌المللی بهائی در جهت حل مشکلات جهان
 ر به موازات گسترش انقلابات ارض و درماندگی زعما و رؤسای ملل و دول در حل این مشکلات جامعه بین‌المللی بهائی بطور قاطع و گسترده در ارائه راه حل‌های مختلف جهت رفع این انقلابات چه بصورت هدایات نظری یا بصورت طرح‌های عملی وارد عمل گردیده است.

● مثال ۵: - تاسیس آکادمی لندنک در سویس

- چهارصد و شش مشروع مفید در زمینه پیشرفت اجتماعی و اقتصادی مربوط به شئون آموزشی و بهداشتی و کشاورزی و روستائی و تاسیس اداره مخصوص در مرکز جهانی برای ترویج و تعمیم اینگونه خدمات
 - عضویت امر الهی در شبکه حفاظت و دیانت از توابع صندوق جهانی طبیعت

- تدوین و توزیع رساله وعده صلح جهانی

- مشارکت جوانان بهائی در فعالیتهای سال جوانان (سال ۱۹۸۵ به‌عنوان

سال بین‌المللی جوانان از سوی سازمان ملل متحد تسمیه گردید.)

- مشارکت جامعه بهائی در اجلاس‌نهایی دهه زنان که سازمان ملل آن

را اداره نموده است.

(چنانچه از دستوای طرحهایی که در پیامهای بیت العدل اعظم نام برده شده است اطلاعاتی حاصل گردید به ضمیمه درس ارسال خواهد شد.)

بخش دوم :

● مثال ۱ : عهد اعلی در بیانیه و عده صلح جهانی به نژادپرستی به عنوان یکی از مهلکترین و ریشهدارترین مفاسد و شرور اشاره می فرمایند. نظری به وقایع و جریانات جهان نشان می دهد که در بسیاری از نقاط، بشر به حبس و قتل و نژاد رجعت کرده و در نتیجه جنگ و منازعه میان گروههای نژادی و فرهنگی ترکیبکننده کشورهای چون یوگسلاوی سابق، رومانی و نظیر آن بوجود آمده است.

اگر مسئله تعصب نژادی را در جهان امروز بررسی کنیم می بینیم که دیگر مباحثات به نژاد سفید بر علیه نژاد سیاه محدود نمی گردد بلکه به صورت عام در بین نژادها و فرهنگهای مختلف وسعت پیدا کرده است.

به عنوان نمونه اگر آمریکا را که ترکیبی از نژادها و ملیت های گوناگون است در نظر بگیریم و تاریخ نژادپرستی در آن را مورد مطالعه قرار دهیم، مشخص می گردد که در چند یکی از مسائل نژادی آن تضییع حقوق انسانی سیاه پوستان توسط سفیدپوستان بوده است اما با گذشت زمان نهضت هایی مثل پلنگ های سیاه در میان سیاهان پیدا شد که بتدریج با شعار قدرت سیاه و سیاه زیباست فکر تفوق و برتری نژاد سیاه را بر سفیدپوستان، بین آنان تقویت کرده است و این زمینه فکری موجب آن شده که در سالهای اخیر عده زیادی از خانواده های سیاه در ایالات مختلف آن کشور دنبال کودکانها و مدارس ابتدایی اختصاصی سیاه می روند که تعلیم و تربیت آنها از کودکان سفید بکلی مجزا باشد و جدایی نژاد و برتری نژاد سیاه را بر سفید در مغز کودکان جایگزین کنند.

همچنین همانگونه که ذکر شد این مسئله به سایر نژادها و فرهنگها نیز سرایت یافته و کشورهای چند ملیتی را دچار مشکلات و بحرانهای ناشی از هیجانات عمومی و تظاهرات مختلف که گاه مداخله مراجع امنیتی را ایجاب کرده و می کنند ساخته است.

از جمله در آمریکا اختلافات بین آمریکائیان یهودی و عرب از طرفی و یهودی و نئونازی ها از طرف دیگر، تصادمهای سالهای اخیر آمریکا شیهای سفیدپوست با آمریکا شیهای زاپنی تبار به علت رکود اقتصادی آمریکا و نضج اقتصادی ژاپنی و سرمایه گذاری آنان در آمریکا که با استفاده از سلاح تعصب نژادی بین تصادم

امریکائیان به عنوان خرید آمریکا توسط ژاپنی ها قلمداد شده است، سیل کارگران مهاجر مکزیکی و سایر کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی به امریکای شمالی و تصادم با طبقه کارگر امریکائی که آنان را تهدیدی برای امنیت مالی خود می دانند، هجوم نزاد زرد از کره و هنگ کنگ و تایوان و مناطق دیگر به این کشور و مهاجرت تعداد زیادی از مردمان سایر نقاط دنیا به این کشور، مسئله را در جهت چند نژادی و چند فرهنگی و چند ملیتی پیچیده کرده است.

بررسی عواقب ناشی از هر یک از جریانات و مسائل فوق، نشانگر تبعیض، آزار، طرد، کشتار جهت پاکسازی قومی در سطوح مختلف، شیخوניהای مقطعی، عدم پویایی فرهنگها و سرکوبی نیروهای خلاق و بسیاری موارد دیگر است.

آیا واقعا وقت آن نیست که این بیان جمال مبارک سرلوحه مرام و زندگی همه مردم جهان قرار گیرد که می فرمایند: " همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار." (۱۹)، (۲۰)

● مثال ۲: زمانی که به جهان اطراف خود نظر می کنیم، درمی یابیم که با اینکه به پایان قرن بیستم نزدیک می شویم و با وجود ترقیات علمی و تکنولوژیکی بسیار، هنوز جهان گرفتار عواقب مشکلی به نام بی سوادی است.

برطبق آمار یونسکو درصد بی سوادی در سال ۲۰۰۰ در گروه سنی بالاتر از ۱۵ - سال هنوز شامل ۲۲٪ از مردم جهان خواهد بود یعنی در حدود ۹۴۲ میلیون نفر، از این عده ۹۱۸/۵ میلیون نفر در کشورهای در حال توسعه زندگی خواهند کرد که بیشترین آنها به ترتیب اهالی آسیای جنوبی، آسیای شرقی و افریقای جنوب صحرا خواهند بود. بی سوادی در جهان عواقب بسیاری را از جمله افزایش سریع و بیش از حد جمعیت پائین بودن سطح بهداشت، بالا بودن نرخ مرگ و میر کودکان و زنان باردار، فقر و عدم رشد و توسعه اقتصادی، نابرابری جنسیتی، و مناسبات استبدادی و سلطه جویانه در روابط خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و بین المللی، دربرداشته است.

مراجعه به بیانات مبارکه مشخص می سازد که تعالیمی نظر تعلیم و تربیت عمومی و اجباری، صلح عمومی، تعدیل معیشت عمومی، ترک تعصبات و تساوی حقوق رجال و نساء، طریق درمان جنین مشکلی را ارائه می دهند.

بررسی های اقتصادی و اجتماعی نشان می دهند که علل اصلی عقب افتادگی در تعلیم و تربیت، بیشتر دامنگیر کشورهایی است که از حیث اقتصادی نیز عقب افتاده هستند. اکثر این کشورها بیشتر درآمد خود را برای خرید کالاها و ماشینها روانه کشورهای توسعه یافته کرده اند و در بسیاری موارد از بودجه آموزش و پرورش خویش

به نفع بودجه نظامی کاسته‌اند. میلیونها کودک بین سنین ۶ تا ۱۱ سال در این کشورها به مدارس و کلاسهای درس راه نیافته‌اند تا دولتهاشان بتوانند تانک و هواپیما و انواع وسایل جنگی دیگر را از کشورهای توسعه یافته خریداری کنند. بنا بر این چنانچه تعلیم صلح عمومی تحقق یافته و ترس از جنگ از بین برود مسلماً با کاهش هزینه‌های نظامی می‌توان امکانات بیشتری را برای تعلیم و تربیت بشر فراهم آورد.

همچنین تعدیل معیشت عمومی سبب می‌گردد که خانواده‌هایی که هم اکنون به علت مشکلات ناشی از فقر، کودکانشان را به بازار کار روانه کرده و آنها را از موهبت آموزش و پرورش محروم می‌سازند، امکانات لازم و کافی را برای تعلیم و تربیت فرزندانشان بدست آورند.

یک بررسی دقیقتر آماری نشان می‌دهد که در کلیه کشورهای در حال توسعه، اکثریت بیسوادان بزرگسال را زنان تشکیل می‌دهند و هنوز هم در این جوامع، تعداد پسرهای مدرسه‌رو چندین برابر دختران است. در واقع هر چه جوامع از لحاظ آموزش و پرورش، عقب‌افتاده‌ترند بیعدالتی اجتماعی و نابرابری در برخورداری از امکانات موجود بیشتر است. این جوامع اکثراً مردسالارند و الگوی خانوادگی آنها عموماً بسیار سلسله‌مراتبی، استبدادی و سلطه‌جویانه است و بر مبنای رفتاری اداره می‌شوند که مانع ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر احترام و تفاهم متقابل و احیای فرهنگ دموکراسی بوده و در صحنه روابط اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی نیز مشکلات و معضلات فراوانی را بار آورده است.

ترک تعصبات جنسی و عدم تبعیض بین زن و مرد و دختر و پسر، تساوی حقوق رجال و نساء، تعلیم و تربیت عمومی و اجباری و اختصاص اولویت به دختران در این خصوص، از تعالیمی است که سبب می‌گردد نه تنها بیسوادی در میان دختران و زنان ریشه‌کن گردد بلکه ثمرات دانش به نحوی موه‌ثرتر و سریعتر در جامعه انتشار یابد. در نظر دیانیت‌بهاشی، جهل و نادانی، ریشه همه بیعدالتیها و علت اصلی سقوط و عقب‌ماندگی مردم و پایداری تعصبات است. به همین دلیل بزرگترین وظیفه‌ای که بر اهل بهاست باسواد شدن و باسواد کردن است و آن هم نه سواد به معنای خواندن و نوشتن چند کلمه و بس. در دیانیت‌بهاشی فراگرفتن سوادی مورد نظر است که فرد را در حل مسائل زندگی خویش و خدمت به جامعه بشری توانا سازد. انسان باید تحت آموزشی قرار گیرد که استعدادهای جسمانی، عقلانی و روحانی او را پرورش دهد تا بتواند به صورتی خلاق در خدمت پیشرفت تمدن بشری درآید. آموزش و پرورش

باید تحت الشعاع این بصیرت قرار گیرد که خدمت به نوع بشر، مقصد زندگی فردی و سازمانهای اجتماعی هر دو می باشد.

آنچه امروز دانشمندان تعلیم و تربیت پس از تجربه های بسیار به آن رسیده اند، در بطن تعالیم بهائی موجود بوده است. آن معدنی که سرمایه تمدن بشری است وجود گوهریار انسان است که فقط در اثر تعلیم و تربیتی همه جانبه و هماهنگ می تواند به ثمر رسد تا از فیض همگان بهره مند شوند.

اگر در اواخر قرن نوزدهم بشر گوش به دعوت مظهر ظهور الهی داده بود امروز میلیونها زن بیسواد عهده دار تربیت فرزندان خود نمی بودند. در آن زمان حضرت بهاء الله والدین را مکلف داشتند که فرزندان خود را صرف نظر از جنس آنها از نعمت آموزش و پرورش برخوردار سازند و اگر احیانا به علت شرایط اقتصادی چنان امکانی را ندارند اولویت این برخورداری را نصیب دختران خویش سازند که آنها مادران نسل آینده خواهند بود و اطفال به داشتن مادران باسواد و آگاه و تربیت یافته نیازمندند تا به تمام معنی نیرومند و باسواد بار آیند.

امروز جامعه بهائی در کشورهای مختلف جهان با توجه به این فلسفه و اساس تربیتی که جز از راه آموزش سواد و ازدیاد معلومات افراد و پرورش روحانی انسان نمی توان آن تغییر واقعی را که مد نظر حضرت بهاء الله است در جامعه بوجود آورد، کوششهای آموزشی و پرورشی خویش را برنامه ریزی می کند. جامعه بین المللی بهائی با " هیئت بین المللی سوادآموزی " که تحت اشراف سازمان بین المللی یونسکو تشکیل شده، همکاری داشته و در مناطقی که بیسوادی بیش از همه بیداد می کند، نقشه های آموزشی خود را در قالب آموزش رسمی و غیر رسمی اجراء می کند. طبق گزارشهای موجود تاکنون در ۴۹ کشور جهان، بهائیان کلاسهای مبارزه با بیسوادی برقرار کرده اند.

به هدایت دفتر توسعه اقتصادی - اجتماعی مرکز جهانی بهائی کوششهای قابل توجهی به عمل می آید که در کلاسهای سوادآموزی که بوسیله بهائیان تشکیل می شود حتی المقدور از روش توأم با عمل استفاده شود. به این منظور در آغاز سال ۱۹۹۲ دو سمینار منطقه ای یکی در آسیا و دیگری در افریقا تشکیل گردید تا در باره چگونه بکار بستن این روش بحث و گفتگو به عمل آید.

تشویق و راهنمایی بیت العدل اعظم الهی جوامع بهائی را موظف ساخته است که نه فقط بیسوادی را در بین افراد جامعه خود از میان بردارند بلکه از راه همکاری با دیگر مومنان در ریشه کن ساختن این بیماری اجتماعی از میان همگان کمر همست بربندند. از جمله جامعه جهانی بهائی برنامه تاسیس شبکه جهانی مومنان غیر -

دولتی را در زمینه "آموزش و پرورش برای همه" پیشنهاد کرده است تا راه همکاری بین موانع غیردولتی را هموار ساخته و رسیدن به هدف مشترک یعنی با سواد کردن عموم مردم جهان را آسانتر کند. (۲۱) (۲۲)

یادداشتها و مراجع :

- ۱- ترجمه پیام بیت‌العدل اعظم مورخ ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲ میلادی
- ۲- پیام بیت‌العدل اعظم مورخ رضوان ۱۴۰ بدیع
- ۳- پیام بیت‌العدل اعظم مورخ ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰ میلادی
- ۴- پیام بیت‌العدل اعظم مورخ رضوان ۱۹۸۵ میلادی
- ۵- پیام بیت‌العدل اعظم مورخ ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲ میلادی
- ۶- همان منبع
- ۷- همان منبع
- ۸- پیام بیت‌العدل اعظم مورخ رضوان ۱۹۹۰ میلادی
- ۹- پیام بیت‌العدل اعظم مورخ ۴ شهرالملك ۱۳۶ بدیع
- ۱۰- پیام بیت‌العدل اعظم مورخ رضوان ۱۴۰ بدیع
- ۱۱- پیام بیت‌العدل اعظم مورخ ۴ شهرالملك ۱۳۶ بدیع
- ۱۲- پیام بیت‌العدل اعظم مورخ رضوان ۱۹۸۵ میلادی
- ۱۳- پیام بیت‌العدل اعظم مورخ رضوان ۱۹۸۸ میلادی
- ۱۴- پیام بیت‌العدل اعظم مورخ رضوان ۱۵۰ بدیع
- ۱۵- پیام بیت‌العدل اعظم مورخ رضوان ۱۹۸۵ میلادی
- ۱۶- پیام بیت‌العدل اعظم به مناسبت صدمین سال صعود حضرت بهاء‌الله
- ۱۷- پیام بیت‌العدل اعظم مورخ ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰ میلادی
- ۱۸- پیام بیت‌العدل اعظم مورخ رضوان ۱۹۹۱ میلادی
- ۱۹- در این توضیحات، صرفاً بطور مختصر به علل و عواقب مسئله نژادپرستی پرداخته شد. بررسی بیشتر در زمینه هر یک از موارد مذکور، بینش را عمیقتر و نگرش را وسیعتر می‌سازد.
- ۲۰- جهت کسب اطلاعات بیشتر در زمینه وضعیت نژادپرستی در دنیا به منابع ذیل مراجعه فرمائید:
- ماهنامه پیام بهائی - ش ۱۵۴ - سپتامبر ۱۹۹۲ - مقاله دیانت بهائی و تعصبات نژادی در امریکا (از قسمتهایی از این مقاله جهت تهیه این قسمت استفاده شده است.)

- ماهنامه پیام یونسکو - تیر ۱۳۷۲ - سال ۲۴ - ش ۲۷۷ - ژوئن ۱۹۹۳ - تاریخ انتشار: اردیبهشت ۱۳۷۳ - اقلیتها
- ماهنامه پیام یونسکو - اسفند ۱۳۷۰ - سال ۲۳ - ش ۲۶۱ - فوریه ۱۹۹۲ - تاریخ انتشار: آذر ۱۳۷۱ - آپارتاید
- ماهنامه پیام یونسکو - آذر ۱۳۶۲ - سال ۱۵ - ش ۱۶۳ - تاریخ انتشار: اسفند ۱۳۶۳ - نژادگرایی
- ۲۱ - موارد ذکر شده مستلزم بررسی های بیشتر و عمیقتر می باشد.
- ۲۲ - جهت کسب اطلاعات بیشتر در زمینه تعلیم و تربیت از دیدگاه دیانت بهائی به منابع ذیل مراجعه شود:
- ماهنامه پیام بهائی - ش ۱۵۴ - سپتامبر ۱۹۹۲ - مقاله مبارزه ای که همچنان ادامه دارد (به مناسبت روز جهانی سوادآموزی) - لیلی ایمن. (از قسمتهایی از این مقاله جهت تهیه این قسمت استفاده شده است)

ارزشیابی این درس از طریق دو آزمون و ۳ تکلیف به شرح ذیل صورت می پذیرد:

مقطع	نوع ارزشیابی	بارم	منابع
هفته چهارم	تکلیف (اول)	۵ نمره	منابع مطالعه این درس از ابتدای نیمسال تا هفته چهارم
هفته هشتم	تکلیف (دوم)	۱۰ نمره	منابع مطالعه این درس از ابتدای نیمسال تا هفته هشتم
هفته نهم	امتحان میان ترم	۳۰ نمره	منابع مطالعه این درس از ابتدای نیمسال تا میان ترم
هفته سیزدهم	تکلیف (سوم)	۲۰ نمره	منابع مطالعه شده در کلیه دروس تعالیم اجتماعی + منابع تکلیف
هفته هیجدهم	امتحان پایان ترم	۲۵ نمره	منابع مطالعه شده این درس از ابتدای نیمسال تا پایان ترم

الف- امتحانات :

امتحانهای این درس دارای سوءالاتی با پاسخهای توضیحی و تشریحی تا سطح کاربرد می باشند.

- در پاسخگویی به سوءالات امتحانات ، دقت نمائید که پرسش دقیقاً از شما چه می خواهد
اگر پرسش این است که برای مطلبی دلیل بیاورید، از توضیحات و توضیفات حاشیه‌ای و کلی اجتناب نموده و صرفاً استدلال نمائید.

- پاسخهای خود را بصورت سازمان یافته ارائه نمائید یعنی اصول کلی و مطلب اصلی پاسخ را در ابتدای پاسخ مطرح نموده و آن را با مواد پشتوانه نظیر توضیحات، دلایل، مثالها یا بیان ارتباطات بسته به موارد خواسته شده در صورت پرسش، تقویت کنید و سپس در انتها نتیجه‌گیری نمائید. (۱)

- نمونه‌هایی از سوءالات در قسمت " نمونه " سوءالات امتحانات " در همین جزوه درج گردیده است .

توجه: سوءالات آزمون پایان ترم از کلیه منابع این درس با اختصاص ارزش برابر به منابع مطالعاتی نیم ترم اول و دوم می باشد. بنا بر این لازم است که در پایان ترم بر روی کلیه منابع مطالعاتی درس (هر چند که مربوط به نیم ترم اول باشد) تسلط کافی داشته باشید.

ب- تکالیف :

۱- برای ارسال کلیه تکالیف خود (مقاطع هفته ۴ ، ۸ و ۱۳) از فرم مخصوص تکالیف استفاده فرمائید.

۲- سوالات ، موضوعات و متون مربوط به تکالیف هر سه مقطع (هفته ۴ ، ۸ و ۱۳) در هر ترم تغییر می نماید بنا بر این حتما شماره نیمسال ذکر شده بر بالای ضمیمه جزوه آموزشی در این خصوص را مورد دقت قرار دهید.

تکالیف اول : * مقطع هفته چهارم

* زمان تهیه تکالیف : هفته چهارم از برنامه زمان بندی مطالعه درس

* زمان تحویل تکالیف : انتهای هفته چهارم

- در هر ترم در ضمیمه جزوه آموزشی مربوط به تکالیف ، سوالاتی عنوان گردیده است که باید پاسخ آنها را با استفاده از منابع درس که از ابتدای نیمسال تا این مقطع مورد مطالعه قرار گرفته اند ، تهیه نموده و ارسال دارید.

- این سوالات مشابه سوالات در سطح کاربرد بوده و برای پاسخگویی به آنها باید بر منابع مطالعه شده تا این مقطع تسلط کافی داشته باشید.

- پاسخها را با عبارات خود و کامل و با توجه به تمامی جنبه های پرسش شده بنویسید.

- نظام و سازمان لازمه پاسخ را همانگونه که در قسمت آزمونها توضیح داده شده است در این پاسخگویی نیز رعایت نمائید.

● مثال ۱ : " امروز دیگر قاره کشف نشده ، دریای ناشناخته و جزیره اسرارآمیز

باقی نمانده است . با اینکه سدهای فیزیکی از میان برداشته شده اند ، موانع موجود بر سر راه شناخت متقابل فرهنگهای گوناگون از یکدیگر در بسیاری موارد همچنان باقی است . " (ماهنامه پیام یونسکو ، تیر ۱۳۶۹ ، سال ۲۱ ، ش ۲۴۱ ،

تاریخ انتشار : دی ۱۳۷۳)

الف- این موانع را نام ببرید.

ب- از نظر دیانت بهائی راه حل اساسی رفع این موانع چیست ؟ چرا ؟

پاسخ : الف- شک و تردیدها

- کج فهمی ها

- انواع تعصبات (قومی ، طبقاتی ، نژادی ، مذهبی ، وطنی و جنسیتی ،

تعصب ناشی از تقدم در تمدن مادی و تعصب در اعتقاد به برتری و

افضلیت به هر سبب که باشد) و اثرات سوء جهل در تشدید آنها

- سوء ظن ها
- خودخواهی های کوتاه نظرانه
- فطری پنداشتن واهی زورگوشی و تجاوز در بشر
- دنیا دوستی و مادیت پرستی و تمسک به مرامهای مادی ساخته خود
- احاطه یاس و نومیدی که بشر را از جمیع جهات فرا گرفته است
- تمسک مصرانه بشر به روشهای ناهنجار قدیمی
- تحت انقیاد بودن اکثر جوامع بشری و نادیده گرفتن آمال آنان مبنی بر استقرار صلح و نظم جدیدی که ضامن صلح و آرامش و رفاه عمومی باشد.

- عدم توازن اقتصادی در جهان
- عدم لسان و خط بین المللی برای تفاهم و تخابره بین مردم جهان
- هرج و مرج روشها و مسالک سیاسی
- اختلافات
- بیگانگی
- جنگ

ب- درمان این درد در رتبه اول مربوط به طرز فکر جهانیان است، اگر بشر از روشهای ناهنجار قدیمی دست برداشته و برای حل مشکلات اجتماعی بر اصول روحانی یا ارزشهای انسانی که متناسب با حواش این زمان است اتکاء نماید کلیه این موانع رفع می گردند.

زیرا: - طرز فکر کنونی بشر که مقاصد و اهداف مادی را مطلوب خود قرار داده نه تنها خود عامل جنین مشکلاتی شده بلکه شرایط تحمل ناپذیری را فراهم آورده که بجای آنکه گروههای متخاصم بشر را تشویق به آرامش و دوستی کند تهییج و تشویق به خصومت می نماید.

- از طرف دیگر: - هر شخص خیراندیشی برای مشکلات را هطی پیشنهاد می نماید ولی خیراندیشی و داشتن دانش عملی معمولا کافی و وافی برای حل مشکل نیست.

- اهمیت و ضرورت اصول روحانی در این است که هم سبب بوجود آوردن محیط مساعدی می شود که موافق و متوازن با فطرت اصلیه انسانی است و هم یک رفتار و یسک

تحرك و بكارآرايه و آرزوئى را برمى انگيزد كه بموجب آن راههاى عملى براى حل مشكل مكشوفتر و اجرايش آسانتر مى گردد.

● مثال ۲: " آنچه موجب نگرانى است انفجار جمعيت جهان در دهه‌هاى آينده مى باشد. دانشمندان بر اين عقیده‌اند كه جمعيت جهان هنگام تولد حضرت مسيح، يعنى حدود دوهزار سال پيش تقريباً بين ۲۰۰ تا ۲۵۰ ميليون نفر بوده است. وقتى كريستف كلمب به قاره امريكا رسيد اين جمعيت ۵۰۰ ميليون نفر بود. در پايان جنگ دوم جهانى، اين جمعيت به دو ميليارد رسيد و در اين پنجاه سال گذشته جمعيت عالم از دو ميليارد به پنج ميليارد رسيده است. در پنجاه سال آينده اين رقم از مرز ۹ ميليارد هم خواهد گذشت ... هدف سازمان ملل متحد آن است كه جمعيت جهان را در حد ۸/۵ ميليارد نگاه دارد. ولى اين نگرانى را هم پنهان نمى دارد كه در سال ۲۰۵۰ اين رقم از مرز ۱۰/۵ ميليارد هم خواهد گذشت.

اين ارقام بخودى خود موجب نگرانى نيست بلكه پى آمدهاى رشد سريع و بى رويى جمعيت است كه نگرانى فراوان ايجاد كرده است. اگر اين رشد به نحوى كنترل نشود، در همه حوزه‌ها از جمله ... در زمينه اقتصادى و رشد فقر، عدم امكان دسترسى به تعليم و تربيت مخصوصاً براى دختران، عدم دسترسى به بهداشت و ساير موارد، مشكلات عمده و غيرقابل تصور براى بشريت بوجود خواهد آمد. اين عوامل موجب ايجاد شورشها، جنگها، مهاجرتهاى دسته جمعى در جستجوى سرپناه و غذا و غيره مى شود و به آسانى نمى توان مجسم نمود كه كشورهاي شورش زده‌اى مثل رواندا، سومالى و افغانستان كه بزرگترين رشد جمعيت را دارا مى باشند اگر در ده سال آينده جمعيتشان به دو برابر ميزان كنونى برسد وضع آنها در دنيا چه خواهد شد.

امروزه روشن شده است كه از جمله عوامل بالا بودن ميزان زاد و ولد در جهان، فقر و گرسنگى و محروميت از سواد و دانش و فقدان اشتغالات فكرى و عقلى، خانه نشينى زنان و عقب ماندگى اجتماعى آنان مى باشد.

(ماهنامه پيام بهاى - ش ۱۷۹ - اكتوبر ۱۹۹۴ - مقاله " جمعيت جهان به كجا مى رود ")
ديانت بهاى چه تعاليمى براى حل مشكل فوق ارائه مى دهد؟ تاثير اين تعاليم در رفع اين معضل چيست ؟

پاسخ :

تعليم :

تاثير :

۱- تعديل معيشت عمومى و حل مشاكل : فقر و گرسنگى را از بين برده و امكان

برخورداری از تعلیم و تربیت را فراهم
می آورد.

۲- تعلیم و تربیت عمومی : جهل که عامل اصلی سقوط و عقب ماندگی مردم
(خصوصاً اختصاصاً ولایت به دختران است را از بین می برد و دانش و اشتغالات
در این زمینه) فکری و عقلی لازم را فراهم می آورد ضمن
اینکه عنصر روحانی در فرد را پرورش داده
و حس مسئولیت وی را تقویت می نماید.

۳- آزادی زنان و تساوی حقوق رجال : باعث می شود که زنان در جمیع مساعی بشری
و نساء سهمی کامل و متساوی داشته باشند و در
فعالیت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی
شرکت کنند.

تعالیم فوق موجب ایجاد توازن اقتصادی، رفع عقب ماندگی های اجتماعی و برخوردار
از دانش و آگاهی لازم و مشارکت زنان در فعالیت های اجتماعی شده و نتیجتاً رشد
بی رویه جمعیت را متوقف می دارد.

تکلیف دوم : * مقطع هفته هفتم

* زمان تهیه تکلیف : هفته هشتم از برنامه زمان بندی مطالعه درس

* زمان تحویل تکلیف : انتهای هفته هشتم

- به ضمیمه جزوه آموزشی، متنی حاوی شاهی از اوضاع، وقایع و مشکلات جهان
ارائه گردیده است که باید آن را با توجه به منابع مطالعه شده درس از ابتدای
نیمسال تا این مقطع مورد بررسی قرار دهید.

- بدین منظور متن را دقیقاً مطالعه و به سوالات مطرح شده در ذیل آن با توجه به
متن و منابع درسی با کلام خود پاسخ دهید.

* نمونه متن تکلیف : مقاله " زنجیره حیات هر سال یک حلقه را از دست می دهد "

نوشته محمد تقی معینیان - روزنامه همشهری - سه شنبه ۲۴ /

خرداد / ۱۳۷۳

سوالات : ۱ - مشکل آلودگی محیط زیست و دامنه و عواقب آن را بر اساس

مقاله توضیح دهید.

۲ - الف - نویسنده مقاله چه عللی را برای آلودگی محیط زیست

ذکر می نماید؟

ب- از نظر امر مبارک علل آلودگی محیط زیست چیست؟

۳- الف- نظر نویسنده در مورد طبیعت و چرخه حیات چیست و معتقد است انسان در ارتباط با آن باید چه روشی را پیش گیرد؟
ب- آیا امر مبارک بالتامه با چنین نظری موافق است؟ توضیح دهید.

۴- الف- نویسنده مقاله چه راههایی را برای مقابله با

نابودی تدریجی محیط زیست مطرح می نماید؟

ب- آیا طرق فوق بنفسه برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست کافی است؟

ج- دیانت بهائی چه تمهیدی برای این مسئله اندیشیده است؟

د- دیانت بهائی چه راههایی برای حفظ محیط زیست و مقابله با آلودگی آن ارائه می نماید؟

پاسخ: مقاله "زنجیره حیات هر سال یک حلقه را از دست می دهد."

۱- مشکل آلودگی محیط زیست در جهان امروز معضلی اساسی بوده که سلامت انسان و دیگر موجودات را مورد تهدید قرار داده است. چرخه زیستی در بسیاری از مناطق طبیعی نابود شده، طبیعت تخریب شده، بیابانها از دیاد و مساحت آنها افزایش یافته، آبها به زباله های خانگی، صنعتی و شیمیایی آلوده شده و منابع محدود آب جهان در معرض نابودی قرار گرفته است. وسعت و دامنه آلودگی روزبه روز در حال افزایش و گستردگی است به حدی که در هر سال یک نمونه از تنوع زیستی کاسته شده و در مقابل میزان آلودگیها و مواد سمی در هر ۱۴ سال دوبرابر می گردد. ارتباط اجزای طبیعت و وابستگی موجودات به یکدیگر سبب شده که تباهی محیط زیست و آلودگی آن، زندگی خود انسان را نیز تحت الشعاع و در معرض خطر قرار دهد.

۲- الف- تجاوز و نفوذ انسان در طبیعت بدون رعایت اعتدال، بهره کشی بی -

رویه از طبیعت بدون دادن فرصت بازسازی به آن، استفاده از تکنیک و شیوه های ویرانگر در بهره برداری از طبیعت بدون توجه به تعادل محیط زیست و قوانین طبیعی حاکم بر کره زمین، استخراج ذخایر زمینی و سطحی با شتاب هرچه تمامتر، استفاده نادرست از منابع محدود آب جهان، تخلیه زباله های خانگی، صنعتی و شیمیایی در آنها، رقابت در تولید هرچه بیشتر محصولات کشاورزی و اسراف در استفاده از منابع طبیعی، از عواملی هستند

که سبب ایجاد آلودگی در محیط زیست شده‌اند.

ب- امر بهائی کلیه موارد فوق را معلول غفلت انسان از اصول روحانی می‌داند که سبب شده انسان قوای عقلیه و علم خود را در جهت ایجاد و پیشرفت "آلات جهنمیه حربه"، "قوای هادمه" و "ادوات ناریه" بکار برده، اعتدال را رعایت ننموده، در بهره‌کشی و از بین بردن جانسداران افراط نموده و بدون توجه به ارتباط و وابستگی موجودات با یکدیگر و عدم احساس مسئولیت روحانی و اخلاقی در جهت حفظ طبیعت، موجب آلودگی محیط زیست گردد.

۳- الف- عوامل تشکیل دهنده محیط و طبیعت دارای رابطه زیست بومی بسیار یکدیگر می‌باشند و هر موجودی نقش خود را در چرخه حیات بازی می‌کند و تغییرات در محیط زیستی از طریق حذف برخی اجزاء در یک سیستم مخفی به اغتشاشات بزرگ در محیط زیست می‌گردد به همین جهت طبیعت باید به حال خود گذاشته شود تا تعادل خود و عناصر نگاهدارنده حیات را حفظ کند.

ب- از نظر امر مبارک نیز، جمیع وجود به هم مربوط است و هر شیئی از سایر اشیاء متاثر و مستفید است. نظام و قانون و تعاون و تبادل در عالم وجود برقرار است و به جهت همین ارتباط لازم است که توازن نظام عالم حفظ گردد، اما این مسئله به این معنا نیست که طبیعت کامل بوده و نیازی به دخالت انسان ندارد زیرا نیاز طبیعت به شعور و تربیت، نقص آن را نشان می‌دهد. عالم ماده متحرک است و از یک مرحله کمال به مرحله دیگر "تغییر و تحول می‌یابد و در این مسیر به انسان محتاج است تا در تطور و تکامل آن کوشد و نه تنها آن را به درجات عالیتر از زیبایی و ترتیب برساند بلکه خصومت و حاصلخیزی آن را افزایش دهد.

۴- الف- برای جلوگیری از آلودگی بیشتر و مقابله با نابودی تدریجی محیط زیست

- باید انسانها به مسئولیت و نقش خود بطور جدی تر فکر کنند و در کلیه مراحل پیشرفت و ترقی جانب اعتدال را نگاه دارند.
- باید به سیاست تجارت کوتاه بینانه محیط زیست و تاراج منابع آن خاتمه داد و بجای آن یک سیاست عقلانی برای بهره‌گیری مستمر از محیط را تدوین کرد.

- بشر باید زبانه‌ها را به‌گونه‌ای بازیافت نماید و بکار اندازد کسسه
احتیاجات انمان و طبیعت هم در حال حاضر و هم برای آینده تامین شود.
- و بالاخره انسان باید در جستجوی تکنولوژی جدیدی که با محیط زیست
سازگارتر است باشد.

ب- بواسطه فیض عالم الهی و اثرات آفاقیه تعالیم امر مبارک، انظار
عالمیان هر روز بیشتر از پیش متوجه مشکلات جهان و طرق درمان آن می‌گردد
ولی تنها پیشنهاد راه حل برای مشکلات و داشتن دانش عملی برای حل مشکل
کافی نیست.

ج- دیانت بهائی معتقد است که برای حل مشکلات بشری باید به اصول روحانی
و ارزشهای انسانی اتکاء نمود و مسائل را از مرحله صرفاً عملی و
اجرائی به سطحی بالاتر یعنی توجه به موازین اخلاقی و اصولی ارتقاء داد
تا ضمانت اجرائی طرق حل مشکل فراهم آید. در مورد حفظ محیط زیست نیز
امر بهائی، مبنای اعتقادی آن را مورد توجه قرار می‌دهد. در نظر بهائی
طبیعت تجلی صفات و اسماء الهی و دارای شان و مقام عظیم است و تا مصل
در آن باعث درک و آگاهی "آیات و ظهورات و شئونات و اسماء الهی"
گردد. و دلیلی بر اثبات وجود حق می‌باشد. از اینرو وظیفه اعتقادی
هر فرد مؤمن است که با توجه به مسئولیت خود در این زمینه در حفظ و
حمایت آن کوشا باشد.

همچنین امر بهایی حفاظت محیط زیست را با دو هدف حمایت عالم جسمانی و
میراث اجیال آتیه مرتبط می‌سازد و معتقد است که فعالیت انمان در این
زمینه باید با آگاهی از تقدس عالم طبیعت باشد.

د- لازم است که کل ممالک عالم برای حل این مشکل متحداً قیام نمایند.

- انسان بواسطه داشتن عقل بر طبیعت حاکم و اشرف از آن است و به همین
جهت باید به مسئولیت خاص خود در استفاده از این عطیه الهی جهت وصول
به نتایج حسنه توجه نماید.

انسان باید بفهمد که کره ارض علت نعمت انسان است و آن را با درک آن
که عزت انسان تنها به نعم مادیه نیست آن را تعدیل نماید.

- رعایت اعتدال (در کلیه زمینه‌ها از جمله در استفاده از منابع طبیعی)
- رحم بر حیوانات و عدم زیاده‌روی در شکار آنها
- کوشش در ایجاد جمال و کمال در قلمرو طبیعت و تربیت آن.

- استفاده، درست‌از علم و مساعی و مجهودات علمیه در جهت هدف تکامل

فضائل عالم انسانی و ظهور تجلیات و اسرار الهیه

- حفاظت و کشف و استخراج منابع وسیع و غیرقابل تصور کره‌ارض باید در

تحت نظارت و حکومت یک نظام متحد جهانی درآید نظامی که بر اساس وحدت

نوع بشر استوار گشته.

- نگهداری و حمایت محیط زیست در سطح فردی و در سطح جامعه

- تغییر طرز فکر جهانیان، تغییر قلوب و تبدیل و تعدیل در جمیع مفاهیم

و تصورات و تقویم و توجیه در کلیه فعالیتها به منظور نجات عالم

بشریت.

- و بالاخره: تحقق تعالیم دیانت‌بهاشی که راه‌حل جامع و کامل مشکل

آلودگی محیط زیست و سایر مشکلات عالم انسانی است.

(منابع: مجموعه حفاظت منابع کره، ارض و بیابانیه، وعده صلح جهانی)

زنجیره حیات هر سال یک حلقه را از دست می دهد

انسان به حکم نیروی خلاقه و اندیشه و ابتکاری که در وجود او به امانت نهاده شده همواره روشهای زندگی خود را تکامل بخشیده و سعی داشته است بیشترین بهره را از طبیعت نصیب خود سازد و از موجودی مغلوب طبیعت به موجودی رودرروی و مسلط بر طبیعت تغییر کند. انسان امروز، برخوردار از دانش و فن از ژرفسای اقیانوسها تا ستیخ کوهها را در اختیار دارد و دامنه اندیشه و عمل خود را از زمین تا کهکشانها نیز گسترده است و به مدد تفکر و ابزار و سلاح گوناگونی که می سازد نه تنها در برابر طبیعت و محیط پیرامون بی تفاوت نمی ماند بلکه در آن به جرح و تعدیل و دستکاری و حتی تجاوز و نفوذ می پردازد، تا بدان پایه که زمین را به — تمامی به سیطره خود درآورده است.

اما آیا این موجود اندیشمند که نام برترین مخلوق جهان را نیز دارد تاکنون توانسته فراتر از وجود خود را نیز بنگرد و در استفاده از مواهب طبیعی جانب اعتدال و انصاف را نگاه دارد؟

شواهد موجود نشان می دهد که چنین نیست و انسان لاینقطع قوانین محیطی را که در آن زندگی می کند زیر پا گذاشته و طبیعت را مورد تهاجم قرار داده است. انسان در طول چند قرن اخیر، کار آهسته طبیعت را که هزاران سال ادامه داشته است و بر اساس فرایندهای خاص تکوین یافته، طی مدت زمان کوتاهی تحت تاثیرات ناگوار فعالیتهای خود قرار داده و در پاره‌های موارد شباهت آن را بخطر انداخته است و برای نمونه باعث ازدیاد بیابانها شده است که در زمانهای گذشته مساحتهای بسیار محدودتری را شامل می شدند.

اگر حرکات و اعمال انسان را طی مدت یک ماه یا کمتر ثبت کنیم خواهیم دید وی می خورد و می کند، می برد، تغییر شکل می دهد، جابجا می کند، می کشد، محیط را آلوده می کند و تمام اینها را با حدت و شدتی بیش از آنچه تکنیک او اجازه دهد انجام می دهد. انسان خود برنده تر و برکننده تر و ویران کننده تر از تیش و تبرواره‌هایی است که ابزارهای فنی او را تشکیل می دهند. تاریخ زندگی انسان چیزی جز تاریخ یک قتل عام درازمدت گیاه و جاندار و منابع طبیعی و آدمها نیست. قتل عام و کشتار انواع رستنی ها، انواع حیوانات، آبها، هوا و بالاخره نابودی چرخه زیستی در بسیاری از مناطق طبیعی زمین.

کارآئی ابزار و آلاتی که بشر مدرن در اختیار دارد برای بهره‌کشی از طبیعت به حدی رسیده که طبیعت مورد بهره‌برداری را فرصت بازسازی نبخشد و تکنیکی را به —

کار می برد و شیوه‌هایی را در این بهره‌برداریه‌ها اتخاذ می‌کند که روی هم رفته ویرانگر است و تعادل حیاتی را در محیط برهم می‌زند.

انقلاب صنعتی، پیشرفتهای اقتصادی شگرفی را به دنبال داشته، لیکن هماهنگ نبودن برنامه‌های مربوط به توسعه اقتصادی با قوانین طبیعی حاکم بر کره زمین، مسائل و مشکلات جدید و پیچیده‌ای را برای حال و آینده جهان به وجود آورده است. اکنون جوامع بهره‌مند از سرمایه و ابزار پیشرفته بدون توجه کافی به ساختار عوامل تشکیل دهنده محیط زیست و ارتباط موجود بین این عوامل به تامین نیازهای آنی خود از منابع طبیعی پرداخته و در واقع به جای حفاظت و استفاده با برنامه از طبیعت در برخی موارد آن را به تباهی کشیده‌اند.

هر لحظه در اثر فعالیت واحدهای متعدد صنعتی مقادیر قابل توجهی مواد سمی وارد منابع اصلی حیات یعنی هوا، آب و خاک گردیده و به طور مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق زنجیره غذایی) سلامت انسان و دیگر موجودات را تهدید می‌کند و این در حالی است که برآورد شده میزان این تاثیرات به علت توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته صنعتی پس از هر ۱۴ سال دوبرابر خواهد شد.

بنا بر این انسان امروز به منظور بقای خود و نسلهای آینده باید در جریان دستیابی به صنعت مدرن و توسعه اقتصادی بیشتر و بهتر، نظام محیط زیست و مجموعه قوانین طبیعی و انسانی حاکم بر این نظام را محترم بشمارد و در هر مرحله از پیشرفت و ترقی، جانب اعتدال را نگاه دارد و بر نقش حیاتی عوامل سازنده طبیعت مسکون اهمیت و ارزش بیشتری قائل گردد.

عوامل تشکیل دهنده محیط و طبیعت مسکون (مانند هوا، آب و خاک) برای موجودات زنده جنبه حیاتی داشته و به علت آسیب پذیری بیشتری که دارند مستلزم حفاظت و مراقبت ویژه می‌باشند. بدین معنی که این عوامل همواره باید از آسیبهای حاصل از فعالیت‌های انسانی و دگرگونیهای طبیعی به دور بمانند تا بتوانند رابطه زیست بومی خود را با یکدیگر حفظ کرده و حیات و بقای موجودات زنده را ممکن سازند. باید توجه داشت که تمامی اجزای طبیعت، از کوچک تا بزرگ، زندگیشان با هم ارتباط داشته و اصولاً طبیعت یعنی ترکیبی از موجودات زنده از گیاه گرفته تا حیوان و همچنین بخشهای غیر زنده مانند آب و هوا و ناهمواریها، نابودی هر یک از این اجزاء سیمای طبیعت را تغییر می‌دهد.

دانشمندان در حال حاضر تخمین می‌زنند در هر سال یکی از انواع موجودات زنده سطح زمین معدوم می‌شود. معدوم شدن سریع حیوانات غالباً از شکارهای بی‌رویه،

انتشار آلودگیهای زیستی، محدود شدن تدریجی زیستگاهها، گسترش عوارض منفی صنعت و نابودی چرخه زیستی حاصل می‌گردد.

گاهی اوقات تغییرات کوچک در یک محیط زیستی از طریق حذف بعضی عوامل در یک سیستم اکولوژیک منتهی به اغتشاشات بزرگ در عالم حیات و محیط زیست می‌گردد. متأسفانه بشر حق حیات را برای بسیاری از جانداران طبیعت فراموش کرده است.

هیچ موجود زنده‌ای نیست که وجودش بی‌فایده باشد. هیچ موجودی هم نیست که به سهم خود برای برخی موجودات دیگر به‌عنوان یک دشمن تلقی نشود. اما هر موجودی جای خود را داشته و نقش خود را در مجموعه محیط زیست و چرخه حیات بازی می‌کند و روزی خود را می‌جوید چه بزرگ و چه کوچک، طبیعت مامن و پناهگاه تمام موجودات زنده است. بدون تردید زمین متعلق به همه جانداران است و هر موجود حقی و سهمی برای بقاء حیات و تامین زندگی خویش دارد.

به موازات افزایش جمعیت، استخراج ذخایر زیرزمینی و سطحی با شتاب هرچه تمامتر ادامه دارد و هر سال بر میزان تخریب طبیعت افزوده می‌گردد. همچنین استفاده نادرست از منابع محدود آب‌جهان ادامه دارد و هر روز میلیونها تن از فراورده‌های افزون بر نیاز انسان به صورت زباله و مواد آلاینده در آنها تخلیه می‌گردد. آبراه‌ها همه در معرض انتشار فضولات صنعتی و فاضلابها و خطر تاشیر کودهای شیمیائی قرار گرفته‌اند. متأسفانه درحال حاضر اکثر آبراه‌ها با نیتراتها آلوده‌اند، نیتراتها در انتقال اکسیژن به بافتهای بدن ارتباط دارند، آب‌آلوده به نیترات برای بزرگسالان مضر و برای خردسالان موجب مرگ خواهد شد.

بنظر می‌رسد که تنها یک راه‌حل برای مقابله با نابودی تدریجی محیط زیست وجود دارد: انسان باید با طبیعت همکاری کند، نه مقابله، تا منابع طبیعی خاک را حفظ کرده و بقای تمدن خود را تامین کند.

اگر طبیعت به حال خود گذاشته شود، می‌تواند تعادل عناصر نگاه‌دارنده حیات را حفظ کند. این تعادل به‌طور طبیعی بین غذا و سازواره (ارگانیزم)های تغذیه‌کننده برقرار می‌شود و به این طریق ذخایر طبیعی زمین پیوسته به نحو احسن مورد استفاده قرار می‌گیرند. دستگاه طبیعت به گونه‌ای تنظیم شده که رفتار هر یک از موجودات در چرخه زیست‌بوم نقش و تاثیر خاص خود را دارد تا اجتماعات عالی و توسعه یافته جانوران، جنگلها، چمنزارها و بیابانها وجود داشته باشد.

هر کس باید به نقشی که در محیط دارد جدی تر فکر کند. انسان تنها موجود روی زمین نیست. انسان باید از زمینه‌های حیاتش، یعنی آب، خاک و هوا دفاع کند

و هیچ انسانی حق ویرانگری و آلوده‌سازی محیطی را به صرف آنکه مالک آن است نباید داشته باشد. باید به سیاست تجارت کوتاه‌بینانه با محیط زیست و تاراج منابع آن‌گاه داد و به جای آن یک سیاست عقلانی برای بهره‌گیری مستمر از محیط را تدوین کرد. ما احتیاج داریم محیط را چنان سر و سامان دهیم که عوارض ناشی از فشار جمعیت و گسترش و توسعه صنعت آن را تخریب نکنند.

باید شرایط بحرانی موجود تغییر کند و این تغییر نه تنها در مناطق توسعه نیافته ضروری است بلکه در کشورهای غنی نیز باید اعمال شود زیرا در این مناطق نیز افزایش رقابت در ارائه خدمات، کالا و مواد، منجر به اسراف در استفاده از منابع، ایجاد آلودگی و تجمع بی سابقه فضولات و زباله شده است. در چرخه‌های طبیعی تولید بیشتر محصولات کشاورزی، استفاده از خاک، مرتع، جنگل و آب نیز موجب ایجاد زباله و آلودگی شده‌اند و انسان باید دریابد که مواد دورریخته خود را مجدداً به‌کار اندازد و تمدنی ایجاد کند که احتیاجات انسان و طبیعت همه در حال حاضر و هم برای انسانهای آینده تامین شود. تکنولوژی فعلی که به طور عمده با هدف افزایش بازدهی کار انجام می‌گردد موجب کاهش مواد خام و کاهش باروری منابع تولید انرژی و غذا (گیاه و زمین) شده است که بسیاری از آنها غیرقابل تجدید هستند.

اگر بخواهیم اقدامات عمرانی مطابق با مصالح محیط زیست باشد باید در جستجوی تکنولوژی جدیدی که با محیط زیست سازگارتر است باشیم. این امر مستلزم بررسی همه جانبه و اساسی است. گفتنی است که بر اساس نظریه بانک جهانی در اکثر طرحهای صنعتی و عمرانی می‌توان خطرات زیست محیطی را بدون هزینه اضافی و یا با صرف هزینه کمی که بیش از ۲ الی ۳ درصد کل هزینه طرح نباشد کاهش داد. ما باید از تجربیات گذشته خود عبرت بگیریم و اشتباهات گذشته را تکرار نکنیم.

محمد تقی معینیان

تکلیف سوم : * مقطع : هفته سیزدهم

* زمان تهیه تکلیف : هفته‌های ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ از برنامه زمان بندی

مطالعه درس

* زمان تحویل تکلیف : انتهای هفته سیزدهم

- در ضمیمه جزوه آموزشی موضوع یا متنی در زمینه تعالیم اجتماعی امر مبارک و یا مشکلات و وضعیت جهان ارائه گردیده است که باید آن را با استفاده از منابع مطالعه شده در سلسله دروس تعالیم اجتماعی و منابع تکلیف که در همین ضمیمه معین شده، در طی مقاله‌ای مورد بررسی قرار دهید.

- به منظور راهنمایی بیشتر در جهت انجام این تکلیف جنبه‌های مختلف موضوع یا متن در ذیل آن مشخص گردیده یا سوءالاتی طرح شده که باید در متن مقاله مورد بررسی قرار گرفته و توضیح داده شوند. طبعاً علاوه بر بررسی جوانب و سوءالات مزبور مقاله می تواند موارد دیگری حاصل از خلاقیت شما جهت روشن نمودن یا کامل کردن مطلب را نیز شامل گردد.

- مقاله باید دارای قسمت های زیر باشد :

- موضوع اصلی

- فهرست مطالب

- مقدمه

- متن مقاله جوی ← عنوان فرعی اول

- توضیحات

- استدلالات

- شواهد

- استنادات

- استنتاج

← عنوان فرعی دوم

- مؤخره

- یادداشت‌ها و منابع (۲)

- در هنگام نگارش مقاله توجه داشته باشید که در مقابل شما جهانی است که دچار مشکلات گوناگون است و مهمتر از همه بی اعتقاد و معرض از دین است بنا بر این

حتی اگر مقاله شما خطاب به احباء باشد به استدلال نهایت اهمیت را بدهید و از گذر سطحی بر موارد پرهیز نمایید.

- می توانید از بیانات و نصوص مبارکه به عنوان فصل الخطاب (در مقالات خطاب به احباء) استفاده نمایید، اما نه بصورتی که تمامی متن تبدیل به گلچینی از بیانات مبارکه گردد.

- چنانچه مقاله شما مستدل، مستند، منسجم و دارای محتوای غنی بوده و بتواند از عهده اقناع دیگران برآید مطمئن باشید که به اهداف این درس واصل شده اید.

- مقاله خود را حداقل در ۴ صفحه و حداکثر ۸ صفحه A4 تهیه نمایید.

- توجه: مطالعه کلیه منابع معرفی شده در ضمیمه و استفاده از آنها در جهت تکلیف ضروری و اجباری و دارای امتیاز است. چنانچه به منابع مشخص شده دسترسی نیافتید از منابعی مشابه استفاده نمایید.

نمونه تکلیف سوم :

مقاله " بهمن در حال سقوط " نوشته آندری نویکین - پیام یونسکو - اسفند ۱۳۷۱ - تاریخ انتشار دی ۱۳۷۲ (ضمیمه است) را دقیقاً مطالعه نموده و با استفاده از محتوای آن و منابع تکلیف معرفی شده در ذیل مقاله‌ای در خصوص " لزوم دین " با تاکید بر عواقب دینی بنویسید در این مقاله موارد ذیل را بررسی نمایید:

۱ - علل و عوامل بازگشت بشر به دوران توحش ، و تنزل و تدنی وی چیست ؟
۲ - ماتریالیسم و کمونیسم چه اثراتی را بر جامعه شوروی که مستقیماً تحت سلطه آن بوده گذاشته است ؟

۳ - چرا بحران واقعی پس از سقوط این نظام ظاهر شده است ؟

۴ - چرا نظامهای ساخته بشر از عهده حل مشکلات جهان برنیامده و نهایتاً با بر جای گذاشتن عواقبی وخیم دچار شکست می شوند ؟

۵ - در دنیای غرب اعراض از دین چگونه نمود یافته و چه عواقبی در پی داشته است ؟ شواهدی ارائه نمایید.

۶ - دیانت بهائی چه راهی برای حل این معضل ارائه می دهد؟ چرا ؟
منابع تکلیف :

۱ - از منابع مطالعاتی سلسله دروس تعالیم اجتماعی

- خطابات مبارکه

- الواح متممات ام الكتاب (اشراقات - بشارات ...)

- توقیعات تولد مدنیت جهانی - قد ظهر یوم المیعاد

- بیانیه وعده صلح جهانی

۲- سایر منابع امری :

- نوار لزوم دین دکتر داوودی (۴۷)

- نوار عالم انسانی محتاج استفاضه از نفثات روح القدس است - دکتر داوودی

(۵۴)

- کتاب نوامیس اندیشه - جناب بخت آور - فصل نقش ادیان در رشد جنبه های

عاطفی بشر

۳- منابع غیر امری :

- نشریات و مجلات (بخصوص نشریه پیام یونسکو)

- رسانه های صوتی و تصویری

بهمن در حال سقوط

نوشته آندری نویکین

در یک داستان علمی، مخترعی موفق می شود صداهایی را که مدتهاست خاموش شده اند، زنده کند. من می ترسم اگر بشر روزی واقعا در این کار موفق شود، آنگاه تنها صدایی که همه صداها را تحت الشعاع قرار دهد، فریادی باشد که جهان را با تکرار ارتعاشهای بی پایان خود بیاکند. این واقعیت دارد که حیوانات وحشی یکدیگر را می کشند. آنها این کار را سریع و برای تامین غذا انجام می دهند نه بسرای شکنجه قربانیان خود. ولی انسانها، به گونه ای کاملا متفاوت عمل می کنند...

تاریخ جهان، آکنده از اعمال خودکامه، ستمگریها و خشونت هایی است که بوسیله قوی بر ضد ضعیف، اجتماع بر ضد افراد منزوی و انسانهای مسلح بر ضد موجودات بی دفاع صورت گرفته. آنچه به همان اندازه دلخراش و حزن آور است وجود انتستواع نموده های خشونت در گوشه و کنار جهان و حتی در متمدنترین و مرفه ترین کشورهاست که به نحوی باورنکردنی سنگدلانه صورت می گیرد و در مقایسه با گذشته از کثرت آن نیز کاسته نشده است.

"سرزمین" ما را، یعنی آنجا که بنا بر عادت شوروی سابق می نامیم، نمی توان جزو کشورهای مرفه به شمار آورد. اگر به دقت آنچه را که در نقاط بحرانی ایمن امپراتوری متلاشی شده می گذرد بررسی کنیم، به رغم فرهنگ والایی که در قرون گذشته در دامان خود پرورده است و هنوز هم بسیار نشانه ها از آن باقی است، بدانجا می رسم که به تلخی از خود بپرسیم آیا هنوز می توانیم سرزمینمان را جزو ممالک متمدن به شمار آوریم؟

چگونه، چرا و از کدام طریق ملت هایی دارای میراث فرهنگی ای چنین غنی دوباره به توحشی درنده وار برمی گردند و در ورطه بی توجهی به درد هم نوعان خود فرو می افتند؟ وضعیت ما در طول تاریخ بی مانند نیست و من تصور نمی کنم که پس از این نیز یک استثنا باقی بماند. واقعیت آموزنده این است که شکل یک فرهنگ بزرگ، روندی کند و تدریجی دارد در حالی که پس روی به سوی حالت خام و بدوی سریع انجام می گیرد. با استفاده از عبارتی که این روزها نزد ما رواج دارد، می توان گفت، ظهور پدیده پس روی، به سقوط بهمن شباهت دارد.

در اینجا نباید واژه بهمن را با عبارات رایجتر "انفجار خشونت" برابر کنیم یا آن را فقط حاصل موج یا عملی تاسف آور بدانیم. البته امکان دارد کسه سرفه ای به تنهایی باعث حرکت بهمن ویرانگر در کوهستان شود، اما این دلیل نمی شود

که قرصهای ضدسرفه را بیگانه چاره پیشگیری معرفی کنیم ...

خسونت‌بخشهایی را که ادعا می‌شود "مناطق درگیریهای بین قومی" هستند، فرا-گرفته است. می‌گویم "ادعا می‌شود" زیرا واقعیات هر روز بیش‌از پیش ثابت کرده‌اند که تفاوت‌های قومی، مثل بسیاری تفاوت‌های دیگر از قبیل نژاد، مذهب، طبقه، جنس، سن و سلیقه، خود به تنهایی آتش‌درگیری را روشن نمی‌کند. برای شعله‌ورشدن این آتش لازم است که برخی منافع (شخصی یا گروهی)، حرص و عطف قدرت، حماقت بی‌نادرستی این یا آن اشخاص، این یا آن گروه با تفاوت‌های مذکور آمیخته شود.

برخی می‌گویند توحشی را که هم‌اکنون در اینجا بیداد می‌کند با مشکلات اقتصادی، فقر یا دشواریهای دیگر مربوط سازند. اما چرا هنگامی که در نتیجه خط مشی مسکو (البته به رهبری یک‌گرجی)، در آغاز دهه ۱۹۳۰ در اوکراین قحطی بسوز کرد، روستاییانی که گروه‌گروه از گرسنگی جان می‌سپردند از روسها متنفر نشده بودند؟ به علاوه، نخستین درگیریهای "بین قومی" که خاک این سرزمین را به خون کشید، بیش‌از سقوط بهمن آسای فقر فعلی و زمانی که ما در فقر عادی خود دست و پا می‌زدیم روی داده است. البته به راحتی می‌توان یک فقیر را به ارتکاب اعمال غیرمسئولانه واداشت و حس‌کینه‌توزی وی را برضد این و آن برانگیخت. اما به اعتقاد من نباید فقر را علت این اعمال قلمداد کرد. به سادگی می‌توان گفت فقر زمینه‌ای مناسب برای توطئه‌گران است.

خیابان مسلح

با این همه ما قادر نیستیم سلسله درگیریهای خشن بین قومی را که هم‌اکنون در کشورمان جریان دارد، فقط با عواملی چون جاه‌طلبیهای سیاستمداران، توطئه‌های سازمانهای مافیایی و دسیسه‌های عشایر و قبایل توضیح دهیم. یک‌توده مرکب از برف و سنگ و گل، قبل از حرکت و تبدیل شدن به بهمن، باید حجم عظیمی یافته تمام شرایط شکل‌پذیری را کسب کند تا بتواند به پایین فروغلطد. مردم هرگز ماده بی‌جان و منفعل تاریخ نبوده‌اند.

نشریه اخبار مسکو اخیراً عکسی را که در شهر دوشنبه در تاجیکستان گرفته شده چاپ کرد. این عکس، غیرنظامیان مسلحی را نشان می‌دهد که مشغول بازرسی همشهریانی هستند که فرمانبردارانه دستها را بالا برده‌اند. در شرح عکس آمده است: "همزمان با تقسیم قدرت بین سیاستمداران، نیروی سومی در حال شکل‌گرفتن است: خیابان مسلح". تکرار می‌کنم، خسونت برای جامعه بشری و مخصوصاً برای وطن مسلمانان شگفت‌انگیز و بیگانه نیست.

خشونتی که اکنون خلقهای شوروی سابق را از پا درآورده، هنوز به اوج خود نرسیده است و تهدید واقعی آن برای تمدن جهانی، در همین نکته نهفته است. برای شناخت بهتر سرشت این خشونت باید مفهوم "خیابان مسلح" را مشخص کنیم. به طور قطع در چنین وضعی استفاده از اسلحه بسیار رایج است و اقشاری وسیع از مردم فعالانسه وارد سیاست می شوند، این پدیده که از فلاکت عمومی سرچشمه می گیرد خودجوش است و از کنترل دولت خارج می شود. اما موضوع در همین جا پایان نمی پذیرد.

افزون بر اینها، "خیابان مسلح" در این ایام، وضع ویژه مردم ما در ابعادی اجتماعی، اخلاقی و روانی است، مردمی که بسیاری از خصوصیات عالی خود را از دست داده اند. رفتار اجتماعی ما در سیر انحطاط تدریجی خود در حال تبدیل شدن به رفتاری "عامی" با ساختارهای معمول آن است. همانطور که می دانیم عامه هیچگاه مجموعه مختصات اخلاقی، روانی و معنوی افرادی که آن را تشکیل داده اند، نیست.

در حال حاضر تقریباً همه مناطق کشور ما دچار عواقب وخیم سیاست جنایتکارانه "قومیتها" که به وسیله بلشویکها اعمال می شد، هستند. سرکوب بیرحمانه گروههای بزرگ قومی و یهودستیزی، که در واقع مبارزه پنهانی علیه جهان وطنی بود، جزئی از منطق استراتژیک این سیاست بود. اما به رغم این منطق، خلقهای سرزمین ما تا همین اواخر در صلح و صفایی نسبی می زیستند (یا به هر حال بی آنکه کینه‌های جنون آمیز به یکدیگر نشان دهند). شدیدترین سرکوبهای عمومی که علیه گروههای قومی اعمال شد شکلی کاملاً اداری و غیرشخصی داشت. بسیاری از اقوام قفقاز و تاتارهای کریمه با قساوتی خونسردانه به ماورای احوال رانده شدند. بله این کار با خونسردی تمام صورت گرفت بدیهی است که هیچکس جرئت اعتراض یا دفاع از این مردمان را نیافت. اگر حتی دستور داده شده بود که آنها را در محل تیرباران کنند، باز هم این کار واقعاً انجام می شد. اما... به طور کلی مجریان و قربانیان دستورهای جنایتکارانه از یکدیگر نفرت شخصی نداشتند. حتی شاید اغلب کسانی که مأمور اجرای دستورهای سرکوب بودند، آرزوی لغو این دستورها را می کردند. باری، امروزه دسته دسته روستاییان ملحجو و زحمتکش به روستاهای ویران همسایگان خود هجوم می برند. آنها نه تنها می خواهند کسانی را که دوستان آباء و اجدادی ایشان بوده اند چپاول کنند، بلکه با رها کردن عنان کینه قصد آزار و ذلیل کردن همسایگان عزیز پیشین خود را دارند. در بدترین دوره‌های وحشت استالینی از مردم برای ارتکاب جنایت استفاده شد، اما در آن زمان آنها تنها وسیله‌ای برای ارتکاب جنایت بودند، نه فاعل آن.

در حال حاضر وضعیت از اساس دگرگون شده است. مردم، (نمی گویم همه مردم،

اما این دلخوشی ناچیزی است، در عین اینکه همچنان هدف خشونت باقی می ماند، به طوری روزافزون به مشوق و محرک خشونت نیز بدل می شوند و نقش جلاد بزرگواری را بازی می کنند که هیچ چشمداشتی هم ندارد.

معنای واقعی اصطلاح "خیابان مسلح" همین است.

سستشوی مغزی

اما چگونه چنین اوضاع اسفباری به وجود آمد؟ آیا باید پذیرفت که تنها سیاست ایجاد ترس از سوی دیکتاتورها می تواند مردم را مجبور کند تا نسبت به سایر ملل، مذاهب و سنتها گذشت و مروت به خرج دهند؟ آیا بایستی باور کرد که با کمی آزادی و برپا شدن حکومتی آزادیخواه، با فراهم آمدن امکان تصمیم گیری برای خود، ملت فاسد به وضع بدوی بازگشته است و حداقل نشان داده است که آمادگی دارد آلتی رام در دست جانیان خونخوار شود؟

مطمئناً خواننده انتظار دارد این فرضیات ناپسند مثل همیشه به کناری نهاده شوند. اگر ما نتیجه گیری از واقعیات گریزناپذیر را نیا موزیم، تجربه اجتماعیمان (تجربهای که تاکنون بسیار گران تمام شده است و متأسفانه احتمال می رود که در آینده ویرانیهای بیشتری به بار آید) به هدر خواهد رفت.

واژه "مردم در ذهن هر انسان عادی تصویری والا ایجاد می کند. به طور حتم ظرفیت احیای اخلاق در مردم بسیار زیاد است اما بی نهایت نیست. ساده دلانه خواهد بود اگر فکر کنیم تخریب منظم نیروهای اخلاقی و معنوی این مردم در مدتی بیست و هفتاد سال، تنها آثار خفیفی برجای نهاده است یا آنکه چند سال برگویی در باره ارزشهای جهانی بشر و مزایای دموکراسی، آن خرابیها را ترمیم کرده است.

کشور ما هنگامی آهنگ پیوستن به جهان متمدن و دموکراسی مدرن را دارد که نمود درصد مردم آن زیر خط فقر زندگی می کنند. (امروز شاید درست آن باشد که بیچارگی آنها صحبت کنیم). این درصد عظیم از مردم ما، از موقعیت اجتماعی خود تنزل کرده و به جمع پرولتاریای لومپن پیوسته است. دیگر نه تنها کارگران و دهقانان بلکه گروههای روشنفکران و تاجران و افسران ارتش و سیاستمداران، نه شعور طبقاتی دارند، نه هویت اجتماعی، نه روح همبستگی، نه حس شرافت و لیاقت و نه حتی قابلیت های حرفه ای لازم را. در باره صاحبان کار آزاد نیز باید گفت که متأسفانه آنها هنوز در مرحله جنینی به سر می برند.

رشد پرولتاریای لومپن، فروپاشی مکانیسم افکار عمومی و تلاش معیارها و

شاخصهای اخلاقی را در پی داشته است.

"نور سلطان نظربایف"، رئیس جمهوری قزاقستان، در مصاحبه‌ای گفت: "بدترین چیز آن است که کشتن یکدیگر برای مردم عملی عادی شود". آدمکشی حتی در مقیاس جمعی نزد ما امری عادی و پیش‌پا افتاده شده است. مجریان رادیو و تلویزیون ما هر روز در لابلای اخبار مربوط به بذرافشانی در روستا و آخرین نمایش مد، با لحنی بیطرفانه تعداد هموطنان کشته شده را اعلام می‌کنند.

محافظة‌کارها با خوشحالی می‌گویند: "این نتایج پروسترویکا و دموکراسی شاست". اما آنها از یاد برده‌اند یا می‌خواهند از یاد ببرند که در مدتی بیش از هفتاد سال عشق به هم‌نوع از قلب و ذهن مردم پاک شده است. در نظام پیشین همه چیز برای این منظور به کار می‌رفت، از نهادهای اجتماعی و دولتی و ارتش و پلیس مخفی گرفته تا ایدئولوژی ملی و تعلیم و تربیت و دستگاه تبلیغاتی و هنر...

اهدافی جاه‌طلبانه برای ما تعیین نموده و زندگی انسان را در برابر آن پوچ و بی‌اهمیت معرفی کرده بودند. قتل هم‌نوع و مرگ‌آین یا آن فرد را به نام این "اهداف عالی" چون اعمال قهرمانانه مورد ستایش قرار می‌دادند. این نگرش رسمی، مردمی را که به این ترتیب از قید "عقاید نسنجیده" رها شده بودند به مشارکت عینی در فعالیتهای سازمانها و تشکیلات متعدد قتل عام، خشونت و تحقیر عمومی سوق داد. حداقل پنجاه میلیون نفر به اردوگاههای کار اجباری برده شدند. از هر سه نفر هموطن ما یک نفر یا قربانی شد یا خود نقش جلاد را برعهده گرفت و همین اواخر بیش از یک میلیون جوان درسهای خونین خود را در مدرسه جنگ افغانستان فراگرفتند.

اما تجربه اجتماعی ما غنی تر از آنی است که وصفش رفت... در واقع چندین نسل متوالی از زنان و مردان ما سراسر زندگی خود را در جامعه‌ای سپری کردند که دقیقاً همه چیز آن، دستگاه حکومتی و نظام سلسله مراتب، اقتصاد، فرهنگ، ایدئولوژی، مذهب و آموزش ملی بر اساس سرکوب آزادی، اجبار، خشونت و ترس بنا شده بود. افسوس، بهمن ویرانگر اکنون آماده حرکت است. اولین تکانهای این توده عظیم بر فراز بلندیها آغاز شده است و گهگاه، قطعه‌ای که از آن جدا شده تا جلوی پاهای ما فرومی‌لغزد. در برابر این خطر قریب‌الوقوع باید احتیاطی کامل پیشه کنیم، زیرا هیچکس نمی‌داند کدام صدای شلیک یا سرفه، بهمن را حرکت خواهد داد، بهمنی که بر سر راهش همه چیز را درهم می‌کوبد و به تلی بی‌نشان و هول انگیز مبدل می‌سازد.

لزوم دین با تکیه بر یکی از عواقب آن

خشونت

فهرست :

مقدمه

خشونت

جایگاه عقل در قبال خشونت

علل ایجاد خشونت - طریق علاج

وظیفه ما

مؤخره

یادداشت ها و منابع تکلیف

"مجربان رادیو و تلویزیون هر روز در لابلای اخبار مربوط به بذر-
افشانی در روستا و آخرین نمایش مد با لحنی بیطرفانه تعهد داد
هموطنان کشته شده را اعلام می کنند." (۱)

مقدمه:

امروزه دیگر خشونت برای جامعه بشری امری شگفت انگیز و بیگانه و منفسور نیست حتی در برخی موارد جزئی از عادات روزمره و طبیعی جلوه گر شده است. گوئی تنها فجایی در ابعاد بسیار گسترده را باید خشونت قلمداد کرد. نمودهای عینی خشونت را روزانه بکرات علاوه بر دیدن و شنیدن از رادیو و تلویزیون و در جرائد، در خیابانها و خانهها شاهد هستیم. از فجایی علنی توسط حکومت و نظاماتی که قسمتی از مملکت دیگری را تحت اشغال خویش دارند بر علیه افراد تحت سیطره شان یا خشونت بر علیه اقلیتها در جوامع مختلفه، تا خشونت کارمند با ارباب رجوع یا همکارش، معلم و مدیر و ناظم با متعلم، رئیس با مرئوس، والدین با فرزندان، مرد با زن تا خشونتهایی با نمود عدم رعایت حق تقدم در صفوف خرید کالا و یا سوار شدن در وسائل نقلیه و یا عدم رعایت یکدیگر در رانندگی حتی به قیمت بخطر انداختن جان دیگران همه و همه نمودهای عینی خشونت برشمرده می گردند.

در این مقاله سعی می نمائیم با بررسی جوانب مختلف خشونت و یافتن نتیجه حاصله از آن یعنی فروپاشی جوامع انسانی، علت اصلی آن که عدم وجود اعتقادات روحانی و ایمان به عوالم الهی در افراد و جوامع است را یافته و سپس با تکیه بر تعلیم مبارک لزوم دین (احتیاج عالم به نفثات روح القدس) طریقی جهت شروع تلاش برای رفع خشونت را بیان نمائیم.

"این واقعیت دارد که حیوانات وحشی یکدیگر را می کشند، آنها
این کار را سریع و برای تامین غذا انجام می دهند نه برای شکنجه
قربانیان خود، ولی انسانها بگونه ای کاملاً متفاوت عمل می کنند" (۲)

خشونت:

خشونت را شاید بتوان بر خورد فیزیکی (عملکرد) فرد یا جامعه ای قدرتمند (از نظر تعداد، قوا و امکانات) بر علیه فرد یا جامعه ای ضعیف دانست که چون طرف قوی نتوانسته است بر منطق طرف ضعیف که مطابق میل و اهدافش نیست غلبه نماید پس آن مبادرت ورزیده تا خواسته خویش را بر کرسی نشاند. (۲) خشونت یا دگاری نامیمون اعمار

توحش انسان است. زمانی که برای برقراری نظم و ضبط جوامع چه در مقابل طبیعت و حیوانات و چه در مقابل مهاجمان قوای فیزیکی انسان مؤثرترین عامل مقابله و شاید تنها عامل بوده است. با رشد و تکامل قوای عقلی انسان و در نتیجه پیشرفت علوم و فنون و پیدایش و جایگزینی ادوات و وسایل بجای قوای بدنی انسانها محوریت خشونت و زور در تعیین خط مشی جوامع انسانی رنگ باخت تا آنکه در جهان کنونی بطور کلی در حاشیه‌ترین مکان (لااقل بر روی کاغذ بشمار می‌آید.) شاهد این مطلب را می‌توان در رشد و تکامل قوانین مدنی جوامع مختلف یافت. از قوانین مربوط به رفتار بسا بردگان در قرون باستان که در یونان و روم باستان مدون گردیده و یا قوانین مربوط به مناسبات ارباب با رعیت او (که روستائیان آزاد برده شمرده می‌شدند) و بسا کارگر و کارفرما در قرون وسطی و حتی قرون اخیر (۴) تا جایگزینی مفاهیم آزادی تفکر - آزادی بیان عدالت اجتماعی و ... که در قوانین بین الملل و قوانین مدنی امروزه اغلب کشورها مندرج است این سیر تحول را شاهد هستیم.

نظر به اینکه جامعه و ادیان همواره تاثیرات متقابل بر یکدیگر دارند مشابه این سیر تکاملی در قوای عقلانی را می‌توان در تعالیم ادیان یافت. از وجود حدود ۶۱۳ حکم شدید و غلیظ در موارد متفاوت در دینت یهود و استفاده از قوای قهریه در ادیان یهود و اسلام (۵) تا تعلیم عاشروا مع الادیان بالروح و الريحان و تعلیم مواسات را می‌توان بعنوان شاهدی بر این مدعا برشمرد.

" در کشورهای رو به توسعه جهان هشتصد میلیون نفر در فقر مطلق بسر می‌برند. پانصد میلیون نفر دچار سوء تغذیه‌اند. میلیونها نفر فاقد آب آشامیدنی سالم و درآمد لازم برای خرید غذا هستند. ایشان در مقابل عواقب فروداشت محیط و بلایای طبیعی از قبیل سیل و خشکسالی که بویژه در افریقا قحطی و مصائبی سابقه‌ای بوجود آورده‌اند در امان نیستند. نومیدی، سرخوردگی و غضب‌ناکارها بسا ترس، اکراه و ناسازگاری داراها در برخورد است و از این طریق بنیان جوامع کم کم درهم فرومی‌ریزد." (۶)

جایگاه عقل در قبال خشونت :

در این مقطع نقش عقل در از بین بردن خشونت را مورد نظر قرار داده، بررسی می‌نمائیم آیا عقل را می‌توان عاملی جهت جلوگیری از خشونت دانست. واضح است که تنها تا زمانی که عقل و منطق طرفدار سوی قویتر است خشونت معنی و مفهوم نمی‌یابد،

چه مراد از طریقی بجز خشونت نیز قابل دسترسی است و در جهان کنونی ظاهراً پسنندتر و به صواب نزدیکتر است که از طریق دیگری بجز خشونت به آن هدف رسید. اما آنگاه که منطق طرف قویتر ضعیف باشد یعنی عقل به یاری وی نشتابد، آنوقت عقل و منطق به کنار نهاده شده و برای رسیدن به هدف مطلوب خویش به خشونت متوسل می گردد. عمل کرد دوگانه جهان متمدن در قبال جنگ بین ایران و عراق از یکسو و جنگ عراق و کویت از سوی دیگر قابل تعمق است. به خود و اطراف خویش نیز اگر بنگریم شواهد متعددی را براحتی می یابیم. بسیاری از اموری که اگر از دیگران سرزند یا خشونت از طرف ما روبرو می گردد زمانی که همان عمل از سوی خود ما سر می زند دارای هزار دلیل موجه می گردد.

پس ملاحظه می کنیم که عقل برای برطرف نمودن خشونت بهیچوجه عامل مؤثری نیست. اما چرا چنین است؟ باید دانست عقل در اینجا هم مثل سایر مواقع، همچو وسیله ای در دست انسان برای رسیدن به هدف است. (۷) اگر راهی که عقل نشان می دهد موافق طبع باشد و انسان را به هدف برساند شخص مطابق روشی که او ارائه می دهد عمل می نماید. اما در غیر اینصورت انسان عقل را هم مانند سایر ادواتی که بکار او نمی آید کنار گذاشته برای رسیدن به هدف مطلوب خویش به وسیله بعدی یعنی زور متوسل می گردد. پس به هنگام برآورد اهداف، عقل و خشونت هر دو وسائلی هم طراز و در صقع واحد برای رسیدن به هدف هستند. برای همین است که از یکی برای برطرف نمودن دیگری نمی توان استفاده نمود. لذا باید به عاملی و رای این دو برای تاثیر بر آنها متشبهت شد. در ادامه مقال سعی بر این است که با بررسی علل ایجاد خشونت، عاملی که می تواند آن را برطرف کند را بیابیم.

"آنچه به همان اندازه دلخراش و حزن آور است وجود انواع نموده های خشونت در گوشه و کنار جهان و حتی در متمدنترین و مرفه ترین کشورهای است که به نحو باورناکردنی سنگدلانه صورت می گیرد و در مقایسه با گذشته از کثرت آن نیز کاسته نشده است... مردم در عین اینکه همچنان هدف خشونت باقی می مانند به طور روزافزون به مشوق و محرک خشونت نیز بدل می شوند." (۸)

علل ایجاد خشونت - طریق علاج

در مقایسه بین عالم انسان و عالم حیوان درمی یابیم که در عالم حیوانی غریزه های اعمال و حرکات و افعال است. وسیله و هدف یکی است. چون هدف اختیار

نمی شود تا وسائل متناسب با آن تنظیم و تطبیق شود لذا تمام قوای حیوانی تنها از یک طریق بسوی هدف حیوان در جهت ارضای نیازهایش مصروف می گردد. اما در عالم انسان اهداف مقرر و مشخص نیست لذا اشیاء تبدیل به سلسله ارزشها می گردند که نسبت به افراد مختلف متفاوت می شوند لذا اهداف متعدد می شود و بهمین جهت برای انسان اختیار و انتخاب مفهوم می یابد. موهبت عقل و ایمان طرق وصول به این اهداف متعدد و متغیر را متناسب با آن اهداف تنظیم می نمایند (۹) اما انسان جامع جمیع کمالاتست و علاوه بر کمالات خاص انسانی بجهت دارا بودن روح انسانی حائز کمالات مراتب مادون خویش از جمله کمالات حیوانی بواسطه دارا بودن جسم می باشد (۱۰) پس انسان علاوه بر اهداف حیوانی که نیازهای جسمانی او را برآورده می سازد دارای اهداف روحانی به مقتضای دارا بودن روح نیز می باشد و عقل او به مدد ایمانش باید او را برای رساندن به اهداف روحانی و جسمانی مدد نماید. اما زمانی که عقل تنها باشد و ایمان و اعتقاد به عوالم بعد نباشد عقل بناچار تنها در پی اهداف موجود شناخته شده اش یعنی اهداف حیوانی می رود و عملکرد او را این اهداف تعیین می کند. اما چون انسان حیوان نیست لذا در همه موارد دچار افراط یا تفریط می شود. نمی تواند حتی مانند حیوان متعادل رفتار نماید، لذا از حیوان پست تر می گردد. انسان ماده گرا چون به عالم بعد اعتقاد ندارد لذا همه چیز را در این عالم می بیند. پس هر چه به انتهای عمرش نزدیک می شود چون به انتها نزدیک شده می خواهد بیکباره هر چه زودتر، هر چه بهتر، هر چه بیشتر از همه لذت و نعم عالم مادی برخوردار گردد و بدتر از آن چون از جوانی پیش بینی چنین وضعی را می نماید لذا از همان دوران به هر عملی دست می زند و از انجام هیچ فکری ابا ندارد (۱۱). برای همین است که چه منطق به یاری وی برخیزد و چه برنخیزد او به سوی این هدف دوان است و معمولا برای رسیدن به این هدف کوتاه ترین راه را انتخاب می نماید و آن راه چیزی جز اعمال خسونت نیست. برای همین انسان حاضر که از روحانیات غافل است با انسان قرون و اعصار اولیه از لحاظ اهداف یکسان می گردد، چه آنها در بدایت روحانیات بودند و اینها غافل از روحانیات، پس هر دو بی بهره از روحانیات. نتیجه چنین بازگشتی به دوران توحش و تنزل و تدنی و هبوط بشر حاضر با دارا بودن ابزار و وسائل و امکانات بی شمار کنونی فجایی است که در قالب خسونت روی می دهد. کشتار صدها هزار نفر از دو طرف مخاصمه در برخوردهای ملیتی، قومی، نژادی و فجایع جانبی آن اعم از آوارگی - تجاوز به حقوق اموال حبشیت ... - اعمال اعتصابیون و برخورد متقابل با آنها - شورش در شهرها - رشد بی سابقه جنایت و ارتکاب جرم در

بین کودکان و نوجوانان - تبعیضات نژادی و قومی بر علیه اقلیت‌های هر کشور و پیدایش و رشد نهضت‌هایی شبیه نئونازیسم. سوءاستفاده از کودکان و نوجوانان در زمینه‌های مختلف و متفاوت. فشار و تبعیض و بی‌عدالتی در حق زنان در برخی از کشورها و انحراف مقصد از آزادی زنان در برخی دیگر از کشورها - عدم رعایت حقوق سایر افراد بمنظور دست‌یافتن به امیال خویش در بین اکثریت قریب به اتفاق مردم همه و همه نشان از این بازگشت انسان به دوران توحش است.

مظهر امر الهی در تاکید بر لزوم دیانت و انذار از عواقب غفلت بشر از دین می‌فرمایند: (۱۲)

" قلم اعلی در این حین مظاهر قدرت و مشارق اقتدار یعنی ملوک و سلاطین و رؤساء و امراء و علماء و عرفاء را نصیحت می‌فرماید و به دین و به تمسک به آن وصیت می‌نماید. آنست سبب بزرگ از برای نظم جهان و اطمینان من فی الامکان. سستی ارکان دین سبب قوت جهال و جرات و جسارت شده برآستی می‌گویم آنچه از مقام بلند دین کاست بر غفلت‌اشرار افزود و نتیجه بالاخره هرج و مرج است. اسمعوا یا اولی الابصار، ثم اعتبروا یا اولی الانظار"

نتیجه محتوم چنین سیر قهقراشی بشر بسوی دوران توحش، انحراف طبیعت بشر به بدترین شکل، تدنی اخلاق و بوجی اهداف، سلب اطمینان، از میان رفتن نظم و ضبط قانون، مسکوت ماندن ندای وجدان، دریده شدن پرده حیا و خاموشی حس مسئولیت، حس همبستگی، وفا و رعایت یکدیگر است (۱۳) با نگاهی سطحی و گذرا به جهان اطراف خویش مصداق هر یک از موارد فوق را برآستی مشاهده می‌نمائیم. در اثر غفلت از روحانیات و بالنتیجه پیامدهای ذکر شده، در فوق و عکس‌العمل ناشی از این پیامدها، نعمت آرامش و شادمانی بتدریج از میان بشریت برخاسته، امید بتدریج از دست می‌رود. نوع انسان ذاتاً فطرتاً خودخواه و متجاوز برشمرده شده، تنازع بقا بدیهی تصور می‌گردد و عالم انسان خود را برای یافتن جهانی متریقی، صلح آمیز و متحرک و هماهنگ و در عین حال شاد و آرام درمانده و فلج می‌یابد. (۱۴) مرام‌های ساخته و پرداخته دست بشر که روزگاری کعبه آمال برخی انسانها بشمار می‌رفت بعلت آنکه در آنها " دنیا دوستی و مادیت پرستی که موجد و مولد و در عین حال صفت مشترک جمیع آن مرامها است مورد تمجید و تقدیر واقع شده " (۱۵) سیر قهقراشی فوق را پیموده و می‌پیمایند " قضاوت قاطع و ثابت تاریخ در باره ارزش آن مرامها را باید در یاس و حرمان انبوه مردمانی جستجو نمود که در محراب آن مرامها نماز می‌گذارند. " (۱۶)

... و جهان همچنان خاموش است



جدال «سبزها» برای مصافحت از احداث نوز گراه در آمازون

خسونت های قومی و فرقه در کراچی ۵۸ کشته به جا گذاشت

به نا آرامی بیخبت بحرین

به پایتخت بحرین و دیگر امای این شیخ نشین...

کشتار فلسطینیان شرق بیت المقدس را مصادره می کند

مصادره زمینهای فلسطینیان شرق بیت المقدس...

چنانچه به دلیلی اخلاقت تجاری، بازگانی و شغلی رخ می دهد...

آمار تلفات انفجار اوکلاهما به ۱۰۴ تن رسید

نارنجی ترین آمار از کشته خادده انفجار شهر اوکلاهما...

درگیری در پایتخت بوروندی دهها هزار تن را آواره کرد

در آستانه سفر پطروس عالی، رئیس کل سازمان ملل متحد...

عراق: در صورت عدم تغییر موضع آمریکا در مورد تحرید علیه این کشور وارد عمل می شویم

سشول عراقی هشدار داد اگر اعضای شورای حوا دث کاتولیک ایرلندی در نزدیکی...

غارت شد ۲۲ سلسمان مبارزه

به اتهام تلاش برای براندازی...

نفوبین الملل از گروه طالبان مورد کشتن اسیران جنگی توضیح خواهد داد

برای در سلام ایستادن...

در این زمینه وزارت دادگستری آمریکا نیز گزارش داده است...

نمونه بارز این گونه مراهما در شرق، ماتریالیسم کمونیسم است. خشونت با وخیمتر اشکال ممکنه یکی از عواقب اعتقاد به این مرام است که پسر از فروپاشی شوروی در بین افراد این سرزمین و اقوام مختلفه ساکن آن به چشم می خورد. قطعا تنوع اقوام، نژاد، مذهب، جنس و یا مشکلات اقتصادی را نمی توان عامل این خشونتها بحساب آورد. برای شعله ور شدن اینگونه آتشها لازم است برخی منافع شخصی یا گروهی، حرص و عطش قدرت و ... محرکی باشند که با تفاوتهای مزبور به هم آمیخته شده خشونت را بسیار آورند چرا که من باب مثال قحطی در اوکراین در ۱۹۳۰ در اثر خط مشی مسکو بر اثر سیاست گذاری بیک نفر گرجی (۱۷) یا حتی کوچ اجباری اقوام قفقاز و تاتار از موطن اصلی به نواحی غیر از سرزمین خود، هیچیک عکس العمل خشونت بار به بار نیاورد. مردم هدف خشونت بودند اما عکس العمل خشنی بروز نمی دادند (۱۸) از جهت دیگر اگر تصور شود که شاید سیاست ایجاد ترس از دولت، مردم را به گذشت و مروت نسبت به همدیگر مجبور می کرد سخت در اشتباهیم زیرا گرچه قوانین مدنی شاید عاملی جهت جلوگیری از جرائم مشهود بشمار آیند اما جرائم در خفا که امید به فاش شدن عاملشان نمی رود را نمی توانند جلوگیری کنند. (۱۹) آمار جرم و جنایت در قبل و بعد از فروپاشی کمونیسم شوروی نشان از این واقعیت دارد که میزان انواع جرائم چه فاش و چه در خفا پسر از فروپاشی بمراتب افزون تر گردیده است و این نشان از آن دارد که گرچه شاید فشار ترس از دولت بی تاثیر نبوده است اما عامل اصلی فشاری است که در بیش از هفتاد سال عشق به ممنوع، فداکاری در قبال سایر انسانها و رعایت همدیگر را از قلوب و ذهن مردم پاک نموده است عاملی که یکی از اسباب ایستادگی همین مردم در مقابل رژیم کمونیسم گردید. از تعلیم و تربیت، رادیو و تلویزیون و هنر گرفته تا دستگا های دولتی و ... همه همه ابزاری جهت این پاک سازی ذهنی به شمار می روند. به عوض عشق و محبت که نشات گرفته از احساسات روحانی افراد است اهداف جاه طلبانه همانند عشق به یک طبقه، عشق به یک حزب و ... تعیین گردید و تمام فشارها برای نیل به آن اهداف صورت پذیرفت. (۲۰) در غرب مرام ماتریالیسم سرمایه داری به نوعی دیگر اما با همین اهداف عالم غرب را به سوی تمدنی اخلاقی - خشونت - جنایت - لابیگری و ... سوق می دهد. کافی است جریده ای را برداشته و شواهد بسیاری از مطلب فوق را در آن بیابیم. " این مراهما بجای آنکه مفهوم وحدت عالم انسانی را دربرگیرد و به ترویج توافق و آشتی در میان مردم مختلف پردازد از طرفی از حکومت های ملی بتی ساخته و سایر مردم جهان را منقاد و مطیع یک ملت یا یک نژاد یا یک طبقه قرار داده و مباحثه و مبادله افکار را ممنوع و متوقف دانسته و ملیونها

مردم گرسنه را بپزحمانه رها کرده تا قربانی معاملات خودسرانه بازارهای جهان گردند که خود باعث تشدید مصائب اکثریت نوع بشر گشته است." (۲۱)

" بردباری فرهنگی دموکراتیک ، مبتنی بر ادراک و پذیرش فرهنگهای دیگر است . جلوه‌ای از عزم به همزیستی با دیگران است... بردباری تنها به معنی تحمل دیگران نیست مستلزم شناخت دیگران و علاوه بر آن احترام به زیباییهای فرهنگهای آنان است ." (۲۲)

وظیفه ما :

در این میانه وظیفه ما بعنوان اهل بهاء که راهنمایی بشریت بسوی سرمنزل مقصود را رسالت خود می دانیم واضح و مشخص است . باید در دو مرحله عالم بشری را متوجه این نکته نمائیم که عامل ایجاد خشونت غفلت ازدیانت و بالتبع راه علاج آن تمسک به روحانیات است . در مرحله اول باید پس از طلب تائید از درگاه احدیت راه دشوار و ناهموار تربیت خویش را در پیش گیریم می فرمایند: (۲۳) "... می فرمایند به خضوع و خشوع و افتادگی اکتفا نمائید مظهر محویت و فنای محض شوید. مهر و وفا و شفقت و محبت نصایح پیشینیان بوده. در این دور اعظم اهل بهاء به فداکاری و جانفشانی مامور ... و از جمله وظائف مقدسه تمسک به حبل اعتدال در جمیع شئون زندگانی است ..."

فی الواقع ما که به عوالم روحانی معتقدیم و حیات خود را محصور در این عالم نمی دانیم چرا تلاش داریم که خود را شبیه افرادی سازیم که ایمان ندارند؟ چرا می خواهیم به کمال مطلوب خویش هر چه زودتر، هر چه بهتر، از هر طریقی برسیم. مگر نه آنکه رزق یومی را رایگان می دهد و منت بر سر بندگان نهاده اشتغال را حکم عبادت داده است ، پس چگونه می توانیم در هنگام عبادت به معبودی جز حضرتش، خدای ناکرده به مال و منال ، توجه نمائیم. مگر نه آنکه آنان را که در این عالم قدرت حقیقی عطا فرموده و امراء نامیده خادمین احباء معرفی نموده که خدمت احباء تاج افتخار هر فردی است . پس در هر امری باید بیاد خدا باشیم اتکال بخدا داشته باشیم توکل کنیم و همه چیز را برای او و بخاطر او بخواهیم. جوهر این تعلیم باشیم " آنچه بخود نمی پسندی بدیگری میسند" وبه این وسیله هر پیرایه‌ای که ما را از هدف اصلی دور می دارد را براحتی از دور نمائیم. با این عمل اطمینان یافته‌امیدوار می گردیم. نعمت آرامش و شادمانی بسوی ما بازمی گردد.

در مرحله دوم پس از آنکه خود را به زیور فوق آراستیم در مواجهه با سایر

افراد الگوی جامعه بهائی زبانی گویا برای ارائه جامعه‌ای سالم بشمار می‌رود. مشاهده نمود عینی اعتقادات اهل بهاء در قبال مقام انسان - وظائف متقابل فرد با جامعه - مفاهیمی چون آزادی - وحدت - قدرت و خدمت - عدالت و شفقت - غنا و فقر - مشورت بجای خشونت و ... طلایه‌دار گشوده شدن روزنه امید برای جهانی مایوس خواهد بود.

" هوالله ای پروردگار این جمع یاران تواند و به جمال تو منجذبند و بنار محبت مشتعلند. این نفوس را ملائکه آسمانی نما و به نفخه روح القدس زنده فرما. لسانی ناطق بخش و قلبی ثابت عطا فرما. قوه آسمانی ده و سنوحت رحمانی بخش و مروج وحدت بشر فرما و سبب محبت و الفت عالم انسانی فرما تا ظلمت مهلکه تعصب جاهلی به انوارش حقیقت محو و زائل گردد و این جهان ظلمانی نورانی شود و این عالم جسمانی پرتو جهان روحانی گیرد و این الوان مختلفه مبدل به یسک رنگ گردد و آهنگ تسبیح به ملکوت تقدیس تو رسد. توشی مقتدر و توانا. ع ع" (۲۴)

موضوعه :

در این مقاله سعی شد نشان داده شود که خشونت ابتدائی ترین ابزار برای رسیدن به هدفی نفسانی در دست افراد و جوامع و مرام‌های است که غافل از خدا و احساسات روحانی و دین هستند. ابزار خشونت و عکس‌العمل متقابل آن سبب انحراف طبیعت بشری به بدترین شکل - از میان رفتن نظم و ضبط قانون - دریده شدن پرده حیا و از بین رفتن حس مسئولیت، نور امید و شادمانی می‌گردد و این موارد سبب افزایش خشونت و درگیری پیش‌رونده نوع انسان را بسوی نابودی می‌کشاند. وظیفه ما بعنوان مسئولین هدایت بشر بسوی تمسک به روحانیت و دین در مرحله اول تهذیب خویش از طریق طلب‌تائید و تفکر در مبادی اعتقادی و تعمیم آن در عملکرد روزانه خویش است تا در مرحله دوم الگوی جامعه بهائی شامل افرادی معتقد - مذهب و با عملکردی صحیح شعله‌ور و اشتیاق جهانیان را برای دارا بودن جامعه‌ای متحرک پویا هماهنگ روشن نموده تا بتدریج عالم انسان آئینه جهان ملکوت گردد.

پادداشت‌ها و منابع تکلیف :

۱ - آندری نویکین - بهمن در حال سقوط پیام یونسکو - اسفند ۱۳۷۱ - تاریخ انتشار

- ۲ - منبع شماره (۱)
- ۳ - شق مقابل خشونت " تروریسم " است که برخورد فیزیکی (عملکرد) طرف ضعیف بر علیه طرف قوی است . تروریسم گرچه اساسا علل و عواملی مشابه با خشونت دارد اما از موضوع این مقاله خارج است .
- ۴ - برای آگاهی از این گونه قوانین و رفتارها می توان به کتب تاریخ تحولات اجتماعی از جمله کتاب زیر مراجعه نمود:
- مرتضی راوندی - تاریخ تحولات اجتماعی
- ۵ - رجوع شود به حسام نقیباثی - معرفی کتب آسمانی
- ۶ - سوته جاتموکو خشونت در جهان سوم - پیام یونسکو - شهریور ۱۳۶۵ - تاریخ انتشار مرداد ۱۳۶۶
- ۷ - دکتر علیمراد داوودی نوار احتیاج عالم به نفثات روح القدس (۵۴) نوار لزوم دین (۴۷) (اقتباس)
- ۸ - منبع شماره (۱)
- ۹ - منبع شماره (۷) (اقتباس)
- ۱۰ - حضرت عبدالبهاء - خطابات مبارکه جلد ۱ صص ۶ - ۴۴ - ۵۹ (اقتباس)
- ۱۱ - منبع شماره (۷) (اقتباس)
- ۱۲ - حضرت بهاء الله - لوح کلمات فردوسیه
- ۱۳ - حضرت ولی امرالله - توقیع تولد مدنیت جهانی (اقتباس)
- ۱۴ - ماخذ شماره (۱۳) و بیانیه وعده صلح جهانی (اقتباس)
- ۱۵ - بیت العدل اعظم - بیانیه وعده صلح جهانی
- ۱۶ - منبع شماره (۱۵)
- ۱۷ - جمهوری اوکراین - جمهوری روسیه به مرکزیت مسکو و جمهوری گرجستان در این زمان سه کشور مستقل هستند .
- ۱۸ - منبع شماره (۱) (اقتباس)
- ۱۹ - دکتر علیمراد داوودی نوار لزوم دین (۴۷) (اقتباس)
- ۲۰ - منبع شماره (۱) (اقتباس)
- ۲۱ - منبع شماره (۱۵)
- ۲۲ - فدربکو مایور مدیر کل یونسکو - برای یک فرهنگ دموکراتیک - پیام یونسکو
آذر ۱۳۷۱ - تاریخ انتشار مهر ۱۳۷۲

۲۳ - پیام بیت‌العدل اعظم - مورخ ۴ شهرالملك ۱۳۶ بدیع

۲۴ - مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالجبار - جلد ۲ ص ۲۱

یادداشت: (مربوط به روش ارزشیابی)

۱ - جهت یادآوری توصیه می‌شود فصل ۷ کتاب "فن مطالعه" اثر لیندا فریل انیس (قسمت شرکت در امتحانات تشریحی) که از منابع مطالعاتی درس روش مطالعه است را مجدداً مطالعه نمایند.

۲ - به منظور یادآوری توصیه می‌شود فصل ۷ از کتاب منبع شماره ۱ (قسمت نوشتن مقالات درسی) را مجدداً مطالعه نمایند.

نمونه سوالات امتحانی

نمونه‌هایی از سوالات امتحانی این درس ذیلا درج گردیده است. لازم به توجه است که پاسخی که برای هر یک از سوالات، ذکر شده پاسخ اصح و کامل است اما منظور نظر این نیست که آن عزیزان چنین پاسخی را بعینه و کلمه به کلمه قید نمایند بلکه رسانیدن مفهوم و اساس مطلب کافی می باشد.

۱ - هم اکنون در برخی از نقاط جهان نهضت‌هایی نظیر نشونا زیسیم به چشم می خورند که آمیزه‌ای از: الف - نژادپرستی و ب - ملیت پرستی مفرطه، می باشند. با توجه به اشراآت و نتایج حاصل از چنین عقایدی، توضیح دهید چرا این نهضتها سد محکمی در راه صلح بشمار می آیند.

پاسخ: الف - نژادپرستی که یکی از مهلک ترین و ریشه دارترین مفاسد و شروراست:

- اصالت انسان را زیر پا می گذارد

- ظهور استعدادهای بیکران قربانیان را معوق و عاطل می سازد

- مروجینش را به فساد و تبهکاری می کشاند

- ترقیات بشری را متوقف می دارد

- موجب اختلاف، بیگانگی و دشمنی می گردد.

ب - وطن پرستی و ملیت پرستی مفرطه:

- در اثر تغییرات اساسی که در حیات اقتصادی جامعه و ارتباط ملل

روی داده و در نتیجه نزدیک شدن ابعاد عالم بواسطه تغییر وسائل

حمل و نقل، نارسا و غیرکافی شده است.

- این مفاهیم کهنه و فرضیات اجتماعی که از ترویج منافع عمومی عالم

انسانی عاجز است و حوائج دائمی او به تکامل بشر را برنمی آورد

موجب غفلت و سرگردانی بشر می گردد.

- این مسئله از طرفی جدا از حس وطن پرستی سالم است و از طرف دیگر

با مفهوم وحدت عالم انسانی نیز توافق ندارد و به همین جهت موجب

خصومت، پرخاشگری، اختلاف و جنگ می گردد.

(بیانیته و وعده صلح جهانی)

۲ - مبنای اعتقادی تعلیم حفظ محیط زیست چیست؟

پاسخ: طبیعت تجلی صفات و اسماء الهی است و تامل در آن باعث درک و آگاهی

آیات و ظهورات و شئونات پروردگار گردیده و دلیلی بر اثبات وجود حق

می باشد.

(مجموعه حفاظت منابع کره ارض)

۳- الف- چه عواملی سبب شده که بشر برای حل مشکلات جهان قدمهایی مثبت بردارد؟
 ب- آیا اگر این اقدامات با آنچه دیانت‌بهاشی ارائه می‌نماید مشابهت داشته باشد، قادر به علاج امراض جهان خواهد گردید؟ چرا؟

پاسخ: الف- (۱) حصول استعداد در نتیجه اثرات آفاقیه امر مبارک و بر اثر مشیت غالبه الهیه که متدرجا و مستمرا بشر را به مقامات عالیه رهبری نموده است باعث شده که جهانیان بتدریج به سوی هدف غاشی امر مبارک متمایل و متوجه گردند.

(۲) از طرف دیگر جبر تاریخ بصورت انقلابات مدهشه و تحولات سریع کنونی، ارکان عالم را مرتعش و بشر غافل را مندهش ساخته و بشر پریشان در اثر رنج و مشقتی که در این مسیر ناهموار دیده در پی هر عذاب‌راهایی برای حل مسائل اندیشیده که کل، انعکاسی از بعضی از مبادی و تعالیم الهیه دیانت‌بهاشی می‌باشد.

ب- خیر، زیرا آنچه بشر قرار دهد محدود است و چون از نفثات روح القدس، محروم، نتایجش معدود. جامعه انسانی از راه‌حلهای روحانی و معنوی برای حل مشاكل جهان غافل است، رشد اجتماعی تا هدفی و رای شرايط مادی نیابد حتی در حفظ اهداف مادی نیز شکست خواهد خورد.

(پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰ ، پیام شهرالکمال ۱۵۰ بدیع ، بیانیه سعادت

حقیقی عالم انسان و جزوه آموزشی)

معرفی منابع مطالعه تکمیلی

ماهنامه نمایه

مراجعه مستمر به کتب جدید و مقالات روزنامه‌ها از مهمترین مواردی است که می‌تواند کمک مؤثری در نیل به اهداف این درس داشته باشد به جهت دسترسی به آنها ماهنامه نمایه راهنمای مفید و مؤثری می‌باشد.

ماهنامه فوق شامل قسمت‌های مختلف بشرح ذیل می‌باشد:

۱- فهرست‌های موضوعی از نشریات علمی و فرهنگی شامل عنوان مقاله، شماره مجله، تاریخ انتشار، شماره صفحه یا صفحات

۲- فهرست موضوعی کتاب‌های منتشر شده یکماه را به فاصله پانزده روز درج می‌نماید. اطلاعات شامل:

عنوان کتاب / نام نویسنده یا مترجم - محل نشر - ناشر، تاریخ نشر، تعداد صفحات، نوبتهای چاپ، تیراژ، بها و شماره بازیابی کتاب در نمایه‌های عنوان، پدید - آوردگان و نمایه ناشران.

در ضمن ماهنامه فوق امکان دریافت فتوکپی مقالات مندرج در نمایه را نیز برای علاقمندان فراهم نموده است.

معرفی کتب

- شوون، پول، کوشا، کریم (مترجم). آلودگی هوا (از مجموعه چه می‌دانم). تهران:

سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹

در این کتاب به شرح آلاینده‌های هوا و اثراتی که بر روی موجودات زنده می‌گذارد پرداخته شده همچنین چشم اندازهای اقتصادی و مالی آلودگی هوا و مبارزاتی که بر علیه آلودگی صورت می‌گیرد مورد بررسی قرار گرفته است.

- دو فونتت، فرانسوا، شهیدزاده، حسین (مترجم). نژادگرایی (راسیسم - از مجموعه

چه می‌دانم). تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹

در این مجموعه مباحث نژاد و نژادگرایی با توجه به سوابق و پیشینه آن، افکار و عقاید نژادگرایانه، وضعیت کنونی عالم در این خصوص و روانشناسی اجتماعی از نظر عوامل فردی و جامعه مورد بررسی قرار گرفته است.

- توینبی، آرنولد، رضائی، خسرو (مترجم). جنگ و تمدن (چکیده‌ای از پژوهش در

تاریخ به انتخاب آلبرت فولر). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۲۳

در این کتاب تمدن‌های آن دسته از جوامع بشری که تحت عنوان "تمدن‌ها" شناخته

شده‌اند مورد بررسی قرار گرفته از آنجا که بنظر نویسنده " جنگ " آشکارا علت بی واسطه انهدام تمدنهاست لذا این بررسی با در نظر داشتن عامل جنگ صورت پذیرفته است .

— کندی ، نل . مخبر ، عباس (مترجم) . در تدارک قرن بیست و یکم — جهان تا سال

۲۰۲۵ . طهران : انتشارات طرح نو ، ۱۳۷۲

در این کتاب مسائل مبتلا به جهان کنونی و آمادگی کشورها و مناطق مختلف جهان برای ورود به قرن ۲۱ مورد بررسی قرار گرفته است . کانون توجه در این اثر نیروهای تغییردهنده جهان معاصر در فراسوی مرزهای دولت ملی می باشد . نویسنده تاثیر این تحولات را بر بخش‌های مختلف جهان تا سال ۲۰۲۵ تمویز ، و رهنمودهایی ارائه کرده است . همچنین برخی از یافته‌های علمی و اطلاعات آماری در این کتاب درج گردیده است .

گذشته از موارد فوق کلیه کتب و نشریاتی که در سلسله دروس تعالیم به عنوان منابع تکمیلی معرفی شده‌اند، قابل استفاده می باشند .